



پادشاه گرانبهای خداوند  
جان و خرد از آن کسی  
است که در کالبد  
جسمانی و جهان مادی  
با منش پاک به کار و  
کوشش پردازد.  
گاتها ۱۴.۳۴

## در صفحات دیگر

- کاش می توانستم مثل بچه ها نقاشی بکنم
- ادب و هنر
- یادی از صادق هدایت
- فوتشار
- گذر زمان: جشن ایران شناسی در دبیرستان فیروز بهرام
- چکاجی
- ماجراهای خانم مکننا به سر واریاب جونگر
- مردم
- حلقه های گمشده



## با برگزاری آیین نوزوتی به دینی دیگر در راه خدمت به دین بھی سوگند خورد

رییس جمهوری در دیدار با نمایندگان اقلیت های دینی تاکید کرد:

## باید تمام لوازم جمهوریت پذیرفته شود

در آینده ی نزدیک به نتیجه خواهد رسید:

## کوشش برای پیشبرد رعایت حقوق اقلیت ها

## ساخت خوابگاه دانشجویی جدید در یزد

## نتایج بیکارهای ورزشی جام یگانگی

## رییس جمهور در دیدار با نمایندگان اقلیت های دینی گفت: باید تمام لوازم جمهوریت پذیرفته شود

در جامعه ای که جمهوریت پذیرفته شده است باید به تمام لوازم آن تن در داد.

آقای خاتمی رییس جمهوری، این مطلب را روز دوشنبه ۱۹ فروردین در دیدار با نمایندگان اقلیت های دینی در مجلس شورای اسلامی، عنوان کرد.

وی به حقوقی که برای اقلیت های دینی در قانون اساسی پیش بینی شده است اشاره کرد و گفت: «در جامعه ای که قانون اعمال می شود و جمهوریت پذیرفته شده است، باید تمام لوازم آن را نیز پذیرفت».

رییس جمهوری با تاکید بر مسئولیت و وظیفه مهم نمایندگان اقلیت های دینی در مجلس شورای اسلامی و انتظارات هموطنان زرتشتی، مسیحی، آشوری و کلیسیایی ایران امیدواری کرد که با تشریک مساعی قوای مقننه، قضاییه و مجریه بتواند در جهت خدمت به همه هموطنان گام های بلند تری برداشت.

آقای خاتمی در این زمینه، همزیستی مسالمت آمیز پیروان ادیان مختلف را در ایران یاد آور شد و استنادی به اقلیت های مذهبی را در مقابل مواضعی که در طول تاریخ علیه ایران اتخاذ شده است، ستود.

نمایندگان اقلیت های دینی در مجلس شورای اسلامی نیز در این دیدار که در محل ریاست جمهوری صورت گرفت، جنایات اخیر رژیم صهیونیستی در سرزمین های اشغالی را محکوم و حمایت خود را از ملت مظلوم فلسطین اعلام کردند.

این گزارش می افزاید: «محمد علی ابیطی» معاون حقوقی و امور مجلس رییس جمهوری نیز در این دیدار از سوی آقای خاتمی رییس جمهوری مسئول پیگیری مسایل و مشکلات اقلیت های مذهبی کشور شد.

خسرو دستبانی در گفتگو با خبرنگار امرداد در باره این دیدار گفت: این دیدار یک ساعت و نیم به طول انجامید و در مورد کلیه مطالب مربوط به اقلیت ها از جمله استخدام و دیه صحبت شد. نماینده زرتشتیان از ابراز محبت و لطف رییس جمهور سپاس گزار می کرد، ابراز امیدواری کرد که با لطف مقام معظم رهبری، رییس جمهوری و مسئولان قوه قضاییه هر چه زودتر کلیه مسایل و مشکلات اقلیت ها حل شود.

## خبرهایی از یزد

□ کمیسیون بانوان زرتشتی یزد نمایشگاهی از توانمندیهای بانوان زرتشتی را از دوم تا دهم فروردین ماه در منزل ورجاوند بر پا کردند.

در این نمایشگاه که ورود آن برای تمامی افراد آزاد بود سفره هفت سین، هفت شین، نمادی، سفره گواه گیری و برخی لباس ها و اشیاء قدیمی به نمایش گذاشته شده بود.

همچنین نمایشگاهی کتابی در کنار این نمایشگاه دایر بود که به شدت مورد استقبال بازدید کنندگان قرار گرفت.

□ نتایج مسابقات نقاشی که در تاریخ ۱۷ اسفند ماه توسط انجمن یانشوران در مدرسه مارکار برگزار شده بود در پستین روز نهم فروردین ماه در پیر مراد اعلام شد. در این مسابقه که در دو رده دبستان با موضوع «جشن تیرگان» و رده راهنمایی با موضوع «سدره پوشی» برگزار شده بود، در رده دبستان، نوشین شهرت و مهسا پوروشب و سامان بهرامی و در رده راهنمایی رکسانا پیروزوند، مهزاد خاوریان و فرانک کلاتری فرد به عنوان برگزیده انتخاب شدند. در رده راهنمایی علاوه بر آن، جایزه ویژه هیات داوران به خاطر شیوه نگرش جدید به موضوع به «هوشنگ خنجری» اهداء شد. سپس به سایر شرکت کنندگان به رسم یادبود هدایایی داده شد. به علاوه در این روز نمایشگاهی از آثار شرکت کنندگان بر پا شد

## چند خط خبر

کانون دانشجویان زرتشتی در نظر دارد نمایشگاه فرهنگی - هنری زرتشتیان را در نیمه دوم اردیبهشت ماه برگزار کند، سازمان ها، ارگان ها و انجمن های زرتشتی و همچنین افراد علاقمند می توانند اشیا قدیمی خود را برای عرضه در این نمایشگاه به کانون دانشجویان زرتشتی بسپارند.

بنیاد فرهنگی جمشید اقدام به برگزاری یک سری کلاس های هنری شامل موسیقی، عروسک سازی و... کرده است. دوستداران برای آگاهی بیشتر می توانند از ساعت ۴ تا ۷ پستین با شماره تلفن ۸۸۲۵۲۱۲ تماس بگیرند.

سازمان جوانان زرتشتی اهواز یک دوره کلاس های آموزش کامپیوتر در زمینه ویدئو پیشرفته و آشنایی با اینترنت برگزار می کند. دوستداران برای نام نویسی در این کلاس ها می توانند با تلفن ۳۳۳۰۹۹۰ - ۰۶۱۱ تماس بگیرند.

کنکاش موبدان تهران نشست های پرسش و پاسخ دینی را در روزهای فرد از ساعت ۳ تا ۷ پستین در محل سازمان فروهر برگزار می کند. دوستداران می توانند جهت آگاهی بیشتر با تلفن ۸۹۰۵۰۶۱ تماس بگیرند.

نمایشگاه عکسی با عنوان «نگاه ایرانی» از آثار منتخب عکاسان معاصر ایران در گنجینه ی هنرهای معاصر تهران برگزار شده است. دوستداران برای بازدید از این نمایشگاه می توانند همه روزه به این محل مراجعه کنند و یا برای آگاهی بیشتر با تلفن ۸۹۶۵۴۱۱ تماس بگیرند.

فرهنگسرای طبیعت اشراق دومین جشنواره چشم اندازهای طبیعی ایران را در ۴ بخش فیلم، نقاشی، شعر، داستان و عکس برگزار می کند. دوستداران می توانند خاطرات خود از سفرهای نوروزی را در ارتباط با موضوع «ارتباط انسان و طبیعت»، «چشم اندازها و مناظر بکر»، «آیین ها و مراسم سنتی نوروز» حداکثر تا ۱۵ اردیبهشت ماه به این فرهنگسرا بفرستند و برای آگاهی بیشتر با تلفن ۷۲۲۴۱۱۲ - ۲ تماس بگیرند.

## کوشش برای پیشبرد رعایت حقوق اقلیت ها

مشکلات قانونی حفظ حقوق اقلیت های دینی توسط نمایندگان پیروان ادیان رسمی ایرانی مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. به گزارش خبرنگار امرداد، در نشست که توسط کمیته ی حقوق بشر اسلامی در محل دانشگاه تهران برگزار شد، بررسی حقوق اقلیت ها از دیدگاه ادیان الهی، حقوق اقلیت ها از دیدگاه حقوق بین الملل،

### با برگزاری آیین نوزوی

## بهدینی دیگر در راه خدمت به کیش بهی سوگند خورد

تورج بلندی، بامداد روز سپندارمزد برابر با بیست و سوم اسفند ماه ۱۳۸۰ با برگزاری آیین نوزوی توسط کنکاش موبدان، جامه سپید موبدی بر تن کرد و از سوی کنکاش موبدان رسماً به عنوان «موبد» معرفی شد. پس از برگزاری آیین نوزوی با حضور موبدان زرتشتی موبد دکتر جهانگیر اشیدری ضمن اظهار تعجب از حضور شایسته مردم در این آیین گفت: قرار بود این آیین بدون تبلیغ و آگهی برگزار شود اما عارفه مردم زیاد است و پوشش خوبی داده شده است. انجمن موبدان خوشبخت است که تا حدی توانسته است جای خالی بسیاری از موبدان و موبدیاران را پر کند. بنا بر گزارش خبرنگار امرداد، توران شهریار ی ضمن خواندن شعری که به مناسبت نوزوی تورج بلندی سروده بود با سرایش سروده هایی در باره آیین زرتشتی به شکوه این فضای روحانی افزود. موبد تورج بلندی یک دوره عضویت موبد ریسه گروه کوهنوردی فرورهر را بر عهده داشته است. در این مراسم از سوی فدراسیون

حقوق اقلیت ها از دیدگاه قانون اساسی و قوانین عادی کشور و بررسی رعایت حقوق اقلیت ها در صحنه ی عمل و اجرا در دستور کار قرار گرفت. در این نشست عنوان شد که تا کنون آيات اعظام صانعی، نوری همدانی، مکارم شیرازی و سیستانی برای حل مشکل اقلیت های دینی رسمی کشور پاسخ مثبت داده

اند. ضیایی فر رییس کمیته ی حقوق بشر اسلامی که در غیاب نمایندگان قوای قضائیه و مجریه مسوولیت انعکاس نظرات باشندگان در این نشست به مسوولان را داشت در مورد نظریه یی که مخالف استفاده از لفظ اقلیت دینی است، گفت: جوامع اقلیت در جهان امروز به طور خودکار دارای یک سری امتیازات قانونی از لحاظ حقوق بین الملل هستند که باید بیش از پیش در راه شناخت و بهره برداری از آن تلاش کرد. این گزارش می افزاید: به دنبال این نشست، یونان بت علیا نماینده ی آشوریان در مجلس شورای اسلامی روز ۲۰ فروردین ماه در مورد مشکل دینی اقلیت ها گفت: قبل از تعطیلات نوزوی قوه ی قضائیه تصمیم گرفت که تبصره یی را به قانون مجازات اسلامی در خصوص برابری دینی اقلیت ها اضافه کند که البته آن را مشروط به استفتاء از مقام معظم رهبری کرده بود. وی با اعلام اینکه مقام معظم رهبری با احتمال قوی این مساله را مورد تأیید قرار خواهند داد، اظهار امیدواری کرد که قوه ی قضائیه پس از این تأیید، هر چه زودتر این مساله را به صورت لایحه به مجلس ارائه دهد تا صورت قانونی به خود بگیرد. وی همچنین افزود: با وجود ابلاغ بخشنامه ی جدید از سوی عارف معاون اول رییس جمهور، اقلیت ها همچنان در زمینه ی استخدام مشکل دارند. وی همچنین ضمن برشمردن این مشکل به همراه مساله دینه به عنوان مهمترین عوامل مهاجرت های اخیر اقلیت ها از کشور افزود: البته مساعدت دولت تا حدودی باعث کم شدن این مهاجرت ها شده است. در تماسی که خبرنگار امرداد در این ارتباط با خسرو دبستانی نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی داشت، وی با ذکر این نکته که بهتر است فعلاً به این موضوع پرداخته نشود، در مورد این موضوع توضیحی نداد.

## در باره کتاب های دینی مدارس آغاز شد

کتاب دینی از زیر نظر سازمان فرورهر خارج و در اختیار انجمن زرتشتیان تهران قرار گرفت. موبد دکتر جهانگیر اشیدری در این نشست با تخصصی دانستن تدوین و تدریس امور دینی، سلب اختیار از سازمان فرورهر برای تدریس و تدوین کتاب دینی از امری سیاسی خواند و افزود: «انجمن زرتشتیان تهران آنقدر کارهای مهم دارد که این کار در میان آنها گم است».

موبدیار کورش نیکنام از انجمن زرتشتیان تهران دلیل تدوین مجدد کتاب های دینی را جویا شد، که در پاسخ وی انتقادات وارده از سوی برخی آموزگاران دینی مطرح شد. در ادامه نیکنام

کتاب و بررسی برای تدوین و یا تجدید نظر در مورد کتاب های دینی زرتشتی مدارس با حضور تعداد اندکی از صاحب نظران زرتشتی آغاز شد. به گزارش خبرنگار امرداد، در این نشست که بنا به دعوت کمیسیون آموزشی انجمن زرتشتیان تهران روز ۲۴ فروردین در محل تالار انجمن برگزار شد، کورش سپهری مسئول کمیسیون آموزشی گفت: کنکاش موبدان در نامه ای با نامناسب دانستن کتاب های دینی که اکنون در مدارس زرتشتی تدریس می شود، پیشنهاد کرده است که تدوین مجدد این کتاب ها توسط سازمان فرورهر صورت گیرد. به گزارش خبرنگار ما، از سال تحصیلی ۱۳۷۶-۷۷ کار تدوین و تدریس

### رتبه دوم المپیاد ریاضی از آن نوشیروان جی تاتا



فرناز کریمدادی شریف آباد، دانش آموز زرتشتی پایه سوم دبیرستان نوشیروان جی تاتا رتبه دوم المپیاد ریاضی را در سطح استان تهران از آن خود کرد. به گزارش خبرنگار امرداد، فرناز کریمدادی شریف آباد، دانش آموز رشته ریاضی فیزیک دبیرستان نوشیروان جی تاتا در سال تحصیلی ۱۳۸۰-۸۱ با شرکت در المپیاد ریاضی توانست رتبه نخست این آزمون را نیز در سطح منطقه ۶ استان تهران به دست آورد. خبرنگار ما می افزاید: فرناز کریمدادی شریف آباد، هر سه دوره تحصیلی خود را در مدرسه های زرتشتی به پایان رسانیده است و در تمامی این سال ها از شاگردان ممتاز بوده است.

### انجمن زرتشتیان مرزعه کلاتر نخستین هیات مدیره خود را شناخت

نخستین هیات مدیره انجمن زرتشتیان مرزعه کلاتر یزد با پارای همکیشان برگزیده شد. به گزارش خبرنگار امرداد، نخستین انتخابات این انجمن در روز ششم فروردین ماه، همزمان با زادروز آشور زرتشت برگزار شد که پس از شمارش آراء خداداد منوچهری، بهرام بهمدی، ریستم - جشدیدی، فرامرز خادم، کیومرث سامیا کلاتری، بهرام سامیا کلاتری، سهراب سامیا کلاتری، شاه بهرام بهمدی و هما خادمی کلاتری به عنوان هموطن اصلی هیات مدیره برگزیده شدند. نخستین نشست هیات مدیره این انجمن نیز روز آدینه ۱۶ فروردین ماه برگزار شد که پس از

جای آوردن سوگند توسط هموطنان و برگزاری انتخابات داخلی، کیومرث سامیا کلاتری به عنوان رییس، بهرام سامیا کلاتری نایب رییس، سهراب سامیا کلاتری، فرزانه دار و خداداد منوچهری به عنوان منشی فعالیت خود را آغاز کردند. همچنین شاهرخ نجاری نیز به مدت یکسال به عنوان بازرس اصلی هیات مدیره برگزیده شد. این گزارش می افزاید: فرماندار میبد، معاون فرماندار میبد، نعمتی از استانداری یزد و بخشدار نیز در این انتخابات حضور داشتند. دوره فعالیت هیات مدیره این انجمن سه سال است.

### ایران در بخش آثار تاریخی هفتم است

ایران در بخش آثار تاریخی و جاذبه های گردشگری در رده ی هفتم است و در بخش جذب جهانگردی در رده ی چهارم قرار دارد.

«مجید علی اکبر» مدیر کل میراث فرهنگی استان خراسان گفت: ایران در حالیکه در بخش آثار تاریخی و طبیعی و تاریخ تمدن در دنیا دست کم در رده ی هفتم قرار دارد ولی در بخش جذب جهانگرد و پژوهشگران بیش از رتبه ی چهارم را داراست.

وی افزود: در این زمینه میراث فرهنگی باید از انزوا و انجماد بیرون آمده، این میراث کهن به گونه ای شایسته معرفی شود و جایگاه آن در بین توده مردم و تصمیم گیرندگان و دانشگاهیان بیشتر شناخته شود. وی گفت: برای این امر باید برنامه ریزی کرد تا بتوانیم در جهان حرفی برای گفتن داشته باشیم. وی افزود: باید حرکتی محکم آغاز شود و با شناساندن میراث فرهنگی شگاف نسل امروز و گذشتگان بر شود همچنین تمام آثار باستانی در سطح استان شناسایی شود و به ثبت برسد و سپس در فهرست آثار جهانی ثبت شود.

همکاران: آذر نوزافروز، کیوان هور، آتوسا ماندگاری، فریبا سرادری، شهرزاد دهمودی، پیمانہ سروش پور، شیوا شهریار زاده، آتوسا نوزافروز، مهین دخت دهنادی، ستاره ماندگاریان، میترا کوشی

## در میان رسانه ها

### داغ ننگی زده ای بر سرو پشانی خویش

عبدالعظیم رضایی، استاد تاریخ، در شماره ۲۶۶ امید جوان در نوشتاری طولانی با عنوان «بی هنران بداندن، ایران تمدنی بیش از ۱۰ هزار سال دارد» با آوردن دلایل مستند بسیاری در دفاع از ایران و تاریخ کهنش پرداخته است و در این میان در جایی می نویسد: «به جمله خشنه اتره اهورهی مزدا» یا به معنی به نام خداوند بخشنده مهربان که در ۸۵۰۰ سال پیش از زبان وخشور ایران، آشور زرتشت روان شد در اوستا بنگرید و ببینید چه کسی پیش از آن والا مرد هوشمند ایرانی خدا را به یگانگی پذیرفته و راه خوشبختی را برای نخستین بار چه کسی برای انسان ها پدیدار ساخته؟ وی در جای دیگری درباره ی هخامنشیان که پور پیر آن را ها را ولگرد خطاب کرده می گوید: سنگ نشسته ها و منشورهای کورش و داریوش که بر سر در سازمان ملل متحد - چسبانده شده، نمایانگر تمدن، فرهنگ، دانش و بینش هخامنشیان است که همه مردم دنیا بر آن تمدن آفرین می گویند و ...

### راز ماندگاری نوزور

ماهنامه «آرما» در شماره ی فروردین ۸۱ گفتگویی را با دکتر میرجلال الدین کزازی در مورد «نوزور» انجام داده است. در این گفتگو از گفته ی دکتر کزازی در مورد دلیل ماندگاری جشن نوزور تا امروز اینگونه می خوانیم: در آیین زرتشت که آیین ایرانیان باستان بوده است، سر در گریبان بردن، گوشه نشینی و هر آنچه نشان از تنهایی و اندوه دارد پسندیده نیست.

نوزور، یک نماد با ریشه های ژرف در میان ایرانیان است. بر پایه همین نماد است که یاباری ناخود آگاه مردم ایران، نوزور می ماند و یاری می کند که ایرانیان نیز بممانند این نماد یعنی نوزور، زبان اسطوره است و شما گز نمی توانید در برخورد با نماد، آگاهانه و دانشورانه رفتار کنید. اگر چنین باشد اسطوره به تاریخ رسیده است و ژرفای آن از بین رفته است و رو به آن مانده است.

شما سبزه و سیر و سماق ... بر سفره ی نوزور می گسترید اما اگر از شما پرسند چرا، پاسخی ندراید، اگر پاسخ دهید، یعنی آن نماد کارایی خود را از دست داده است. کارایی نماد در این است که شما به شیوه ای ناخود آگاه و باورمندان به آن برخورد کنید نه به شیوه ای دانشورانه به همین دلیل است که نمادها را نمی توان به آسانی از بین برد، درباره نوزور هم همین است. در گوشه هایی از تاریخ ایران جشن نوزور برگزار می شود و فشارهای بیرونی بر مردم ایران زمین وارد می شود، ولی به محض از بین رفتن این فشار دوباره نمادها به یاری ریشه های قوی شان از پستوی خانه ها برون می آیند، بسیار باشکوه تر و پرنگ تر از گذشته.

## پارسیان

### به خانواده مطبوعات زرتشتی پیوست

نشریه دینی، فرهنگی، اجتماعی «پارسیان» به صاحب امتیازی سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی استان یزد و مدیر مسوولی شهیداد شهریار ی به جرحه مطبوعات زرتشتی پیوست.

در شناسنامه این ماهنامه که اکنون به صورت فصلنامه منتشر می شود نام ۳۴ تن از جوانان کوشا و دلسوز زرتشتی و چشم می خورد که مطالبی متنوع و خواندنی را جهت استفاده همکیشان به چاپ رسانده اند.

شماره اول «پارسیان» که خود را نخستین نشریه زرتشتیان استان یزد معرفی می کند در قطع «مجله ای» و ۲۴ صفحه در رنگ به چاپ رسیده است. «امرداد» برای همکاران و دست اندرکاران «پارسیان» آرزوی کامروایی و سر بلندی دارد و برداشته شدن گامی دیگر در راه پیشرفت جامعه زرتشتی و رسیدن به مرزهای جامعه ی مدنی، به همکیشان شاد باش می گوید.

## ساخت خوابگاه دانشجویی در یزد

خواهد شد. این گزارش می افزاید: همچنین با همکاری انجمن زرتشتیان خرمشاه، پذیرشگاه جدیدی در کنار تالار سرور خرمشاه ساخته می شود. زمین مشرف به این تالار توسط خیراندیش اهداکننده تالار سرور(سرور یلنگی خرمی) خریداری شده و این خیر اندیش در نظر دارد پذیرشگاه جدیدی را با هزینه ی شخصی خود بسازد و در اختیار انجمن زرتشتیان خرمشاه یزد قرار دهد. در محل کنونی این تالار قبلاً پذیرشگاهی وجود داشت که اینک خیر اندیش خرمشاهی قصد بازسازی دوباره آن را دارد.

گسترش ساختمان فعلی تالار سرور نیز از برنامه های آینده این انجمن است.

### ساخت خوابگاه دانشجویی و پذیرشگاه جدید به زودی توسط انجمن زرتشتیان خرمشاه یزد آغاز می شود.

به گزارش خبرنگار امرداد، انجمن زرتشتیان خرمشاه در نظر دارد بر روی زمین اهدافی روانشاد خسرو خویبار که به وسیله فرزندان خیر اندیش آن روانشاد شهریار، اردشیر و جهانگیر به این انجمن اهداء شده است، ساختمانی مجهز به منظور پذیرایی از دانشجویان زرتشتی که در دانشگاه های این شهرستان پذیرفته می شوند، بنا کند. این نامه های اجرایی برای اداره امور این خوابگاه در آینده نزدیک با همکاری خیراندیشان از وی انجمن زرتشتیان خرمشاه تصویب و اجرا

# بیاد و یادگار

ممس زودباش دیگه بیا اینجا ؟  
وای ؛ پس چرا نمی آیی ؟  
نمی تونم عزیزم ، نمی تونم کمرم درد  
می کنه .

نمی دونستم چرا هر وقت که  
می خواست بلند بشه ستون فقرانش  
ترق و تروق می کرد ؛ تقریباً پنج  
دقیقه طول می کشید که تن خمیده  
اش را صاف و صوف کنه و به قول  
خودش از جا کنده بشه . همیشه  
دوست داشتم دلیلشو بدونم اما  
هیچوقت نپرسیده بودم ، ولی این بار  
دلمو به دریا زدم و ازین پرسیدم :  
چی شد که کمرت اینجوری شد  
ممس ؟

خندید و گفت ؛ عزیزم به نظرت کار  
یه بچه چهارساله چیه ؟  
خوب معلومه! خوب بخوره خوب  
بخوابه ، کارتونهای مناسب با سنش  
تماشا کنه ، راستی داشت یادم  
می رفت می تونه در این سن کار کردن  
با کامپیوتر رو هم شروع کنه ؟  
و بلافاصله پرسید: " تا بحال اسم  
مشربه به گوشته خورده ؟"  
مشربه ...  
لحظه ای مکث کردم و بدو رفتم

کتاب لغت را آوردم ، اسم مکان از  
« شرب » به فتح ( ر ) . خوب همیشه  
محل آب خوردن ، شاید چشمه .  
شاید هم شیر آب یا اینجور چیزها  
نمیشه .

هیچکدام عزیزم . « مشربه ای » رو که  
فقط بین کتابهای لغت تو پیدا میشه ، ما  
از وقتی چهار سالمون بود خوب می  
شناختیم و با تمام وجودمون لمسش می  
کردیم . یک کوزه بزرگ تقریباً هم قد  
خودمون ؛ بعد از اینکه از ته آب انبار آبش  
می کردیم باید حدود یک کیلو متر تا  
خونه اوستامی آوردیمش .  
"خونه اوستا دیگه کجاست ؟"

میدونی عزیزم . تو دهات یزد ، اون  
وقت ها چون مدرسه نبود ، برای اینکه  
بچه ها کار یاد بگیرند می فرستادندشون  
پیش اوستا . اوستا به دخترها خیاطی  
یاد می داد ؛ دوختن چادر شب و شوال  
و اینجور چیزها ، تازه توی چال نخ هم  
می ریشتم . با هر نیم متر نخ که پارچه  
می شد ، به اندازه یک صناری به پول  
پیراهن و شوالمان اضافه می شد  
مثلاً چسب پیراهنمان می شد از چیت و  
حسابی کیف می کردیم و جلوی هم سن  
و سالها مون یز می دادیم .

یعنی اون زمان واقعا پدر و مادرا  
که بچه ای را به دنیا می آوردند ،  
نمی توانستند پول لباس و  
شلوارشون را بدهند ؟ منگه باورم  
نمیشه .

نه جونم اینطورها هم نبود ، چون توی  
ده ما ، مدرسه وجود نداشت ؛ وسایل  
بازی درست و حسابی هم که پیدا  
نمی شد ، پدر و مادرها هم می خواستند  
که ما یک کاری یاد بگیریم و ببخود توی  
بیابونها و دار و درختها چرخ نزنیم و یه  
وقت کاری دست خودمون ندیم ، چونوری  
نیسومون زنده یا توی چاه و چاله ای چیزی  
نیفتیم . شاید یکی از دللهایی هم که این  
کار رو می کردند این بود . خداییش هم  
،خانه اوستا تمام کارهایی رو که برای  
زندگی آینده یک دختر در ده لازم بود  
یاد می گرفتیم .

هیچوقت یادم نمیره به روز وقتی رفتم  
آب انبار که آب یارم موقع بالا آمدن از  
پله ها روی پله آخر از فرط سنگینی ،  
مشربه آب رو انداختم و شکوندم ، با گریه  
و زاری رفتم پیش اوستا .  
حتماً می تونی حدس بزنی بعدش چی  
؟ شد ؟  
ادامه دارد ...

## حلقه های گمشده

کتاب زندگی مردم ما ، پر برگ و لبریز از آموزه هاست . برای نمونه ، کوتاه  
نوشتهایی از آن را با هم بخوانیم : « ... در حدود ۱۵۰ سال پیش ، پهلوانی  
زرتشتی به نام برخوردار سروش ، از مردم محمد آباد یزد ، به عنوان محافظ همراه  
کاروانی می شود تا از راه کویر به مشهد برود و برای قحطی زدگان یزد گندم  
بیاورد . وی چوب انداز قهرمان و بی نظیری بوده .  
برخوردار سروش در خراسان در بازار به چند تن بر می خورد که در کار خریدن  
لرک « بودند . پس از جلب اطمینان آنها ، در می یابد که چند خانواده بهمدین  
در آنجا زندگی می کنند و پنهانی آیین و دین خود را نگه داشته اند . آنان را با خود  
به یزد می آورد و فرزندان ایشان ، اینک در جامعهی زرتشتی به سر می برند .  
این است گوشه ای از پایداری و پویایی مردم ما در مسیر تاریخ . ما اکنون وامدار  
میراثی گرانبها هستیم و باید بتوانیم برای فرزندانمان این افتخارات را پاسداری  
کرده و بر آن بیافزاییم . می گوئیم در صفحه « مردم » ، به دنبال یافتن حلقه های  
گمشده پیوستگی مان باشیم .  
با ما باشید تا در این راه گام های مان استوارتر باشد .

## FEZANA

این آدرس مربوط به سایت اینترنتی  
FEZANA اتحادیه انجمنهای زرتشتی  
آمریکای شمالی است .  
در home page این سایت اخباری در  
مورد زرتشتیان جهان در یک پنجره و در  
پایین اخباری در مورد برنامه ها و بازی  
ها و ورزش جوانان زرتشتی در آمریکای  
شمالی موجود است و آدرس سایت و  
مطالب دیگر مربوط به این گروه ها را در  
اختیار مراجعه کننده قرار می دهد .  
برای به دست آوردن اطلاعاتی در  
مورد نشانی و کارهای این  
موسسه می توانید به قسمت  
about fezana در قسمت بالای  
home page مراجعه نمایید .  
در قسمت publications اطلاعاتی  
در مورد مجله fezana شامل دو  
قسمت سیاسی و غیر سیاسی است در  
اختیار مراجعه کننده قرار  
می گیرد و در بخشی دیگر از این  
قسمت می توان از طریق این سایت  
برای دریافت این مجله نام نویسی کرد .  
برای کسب اطلاعاتی در مورد سرمایه  
ها و نام خیر اندیشان و کمک هایی که  
در اختیار این موسسه قرار گرفته ،  
می توان به قسمت funds مراجعه نمود  
و همچنین در این قسمت می توان برای  
کمک به این موسسه اقدام نمود .  
برای دریافت اطلاعاتی در مورد  
اتفاقات روی داده در این موسسه و در  
جامعه زرتشتی مثلا در مورد

## وب گوه

گردهمایی سالانه fezana و فرم ها و  
طریقه نام نویسی در این گردهمایی و  
همچنین در مورد کنگره زرتشتیان در  
سال ۲۰۰۰ و برای مشاهده عکس  
هایی از کنگره نیز می توان به قسمت  
events مراجعه نمود .  
در قسمت messages می توان اخبار  
و پیغام های روز این موسسه را دریافت  
نمود . برای اطلاع از نام موسسات و  
گروههای کوچک زرتشتی موجود در  
آمریکای شمالی می توان به قسمت  
associations مراجعه نمود و همچنین  
در این قسمت می توان از طریق  
e-mail نام موسسه یا گروه خود را در  
این بخش به ثبت رساند .  
برای دریافت اطلاعات عمومی که در  
مورد این موسسه باید در اختیار  
زرتشتیان قرار گیرد و همچنین برای  
کسب اطلاعاتی در مورد  
اساسنامه fezana و برنامه های حال و  
آینده ای که این موسسه در نظر گرفته  
می توان به قسمت records  
public مراجعه نمود .  
در قسمت links نام چندسایت مربوط  
به زرتشتیان که در امور اوستا و نیاکان  
زرتشتی و مجلس زرتشتیان است در  
اختیار مراجعه کننده قرار می گیرد  
و در آخر شما برای برقراری ارتباط با  
این موسسه به یکی از روش های  
e-mail یا مجله و یا می توانید به  
قسمت contact us مراجعه نمایید .

## آخر ماه

به آخرین روزهای نخستین ماه سال ۸۱  
رسیدیم . ماهی که در آن همه چیز تازه  
شد تا با اندیشه هایی تازه در پی  
تازده ترا هریم . ماهی که در آن بزرگ  
پیامبر یکتا پرستی با پیام فرشه و تازه  
گردانیدن جهان راده شد .  
اما از این حرف ها که بگذریم چند اتفاق  
جالب در این ماه افتاد :  
یکی اینکه امسال عید نوروز همزمان  
شده بود با ماه محرم و چه زیبا ایرانیان  
همچون همیشه دینشان را و ملیت شان  
را در معجون باورنکردنی به هم آمیخته  
و گرامی داشتند .  
اما یک اتفاق دیگر برگزاری جشن زایش  
اشوزرتشت بود . امسال این جشن کمی  
کم رنگ تر برگزار شد ، اما باز هم چیز  
تازه یی در برگزاری این آیین به چشم خورد .  
نمی دانم اما امسال سیزده بدر عجب  
سیزده بدربارانی و جالبی بود ؛ به دور  
انداختن نحسی سیزده زیر باران و گره



تازه یی در زندگیشان افتاده است . مثلاً  
داماد شده اند یا تازه عروسند . مثل  
اینکه کمی زیاد حرف زدیم .  
راستی دوم اردیبهشت هم جشن  
اردیبهشت گان یادتان نرود ! حتما در  
این مراسم شرکت کنید .  
تا آخرین روزهای ماه آینده خاندانگهدار .

زند سبزه در حالی که چتر به دست  
داری واقعا جالب بود .  
چند روز پیش از سبزه بدر نیز آخرین  
روز زیارت پیر هریشت بود . باز هم مثل  
هر سال از دور و نزدیک برای زیارت آمده  
بودند . ولی کاش می شد جزوه ای برای  
آگاهی از این زیارتگاه ها تهیه کرد و در  
اختیار همه به ویژه جهانگردانی که به  
این مکان ها می آیند قرار داد .  
روز ۱۹ فروردین ، فروردین روز از این  
ماه ، جشن فروردین گان و فرود آمدن  
فرورها بود . شاید ، که نه حتماً -  
همین خاطر می گویند « فرود گان » . مثل  
همیشه بود . اوستا خوانی و رفتن بر سر  
مزار درگذشتگان آخر هر فروردین با یک  
آیین همراه است ویژه ی شریف آباد یزد .  
حتماً حدس زدید !  
« هیرمیا » مراسم زیبایی که می گویند  
همان جشن سده است که عقب افتاده  
است و در آن با غیزل ( هیمه ) هایی که  
از بیابان جمع می کنند آتش می افروزند .  
چوب زدن هم قسمتی از آیین « هیرمیا »  
است . چوب زدن افرادی که اتفاق

## سپهر

گروه خون و RH زرتشتیان  
دکتر وخشوری

گروه خون و RH و نحوه انتقال آن به فرزندان نزدیک به ۷۰ سال است که کشف شده است و می توان گفت  
از اولین کشفیات وراثت به حساب می آید . تحقیقات امروز ثابت کرده است که هر کدام از گروه های خونی  
دارای خصوصیات اخلاقی روانی و عصبی مخصوص به خود می باشند و حتی بعضی بیماریها در گروهی زیادتز  
و در گروه خون دیگر کمتر و یا اصلاً دیده نمی شود . مثلاً گروه خونی (O) بیشتر از گروه های دیگر مبتلا به زخم  
اثنی عشر و معده می گردند و گروه B بیشتر مبتلا به ضایعات عروقی قلب یا مغز می شوند و ابتلا به فشار خون  
نیز در این گروه بیشتر است . خصوصیات هر گروه خونی بر اساس تحقیقات صورت گرفته به این شرح است :  
۱- گروه A: مردمانی نجیب ، مطیع قانون ، در زندگی روزمره منظم ، آرام و شیک پوش ولی این گروه از نظر  
عاطفی کمی خود خواه هستند .  
۲- گروه B: مردمانی با عاطفه ، با پشتکار ، با اراده حساس ، مسوولیت پذیر ، لج باز ، وطن پرست ،  
می خواهند اکثر مسوولیت زندگی را خود به عهده بگیرند و کمتر به دیگران واگذار می نمایند . این گروه بیشتر  
از دیگران به فشار خون بیماریهای قلب و عروق گرفتار می شوند و سکنه های قلبی و مغزی در آنها بیشتر دیده  
می شود .  
۳- گروه AB: مردمانی منطقی ، با اراده ، راز دار ، خموش ، خویشتن دار ، محافظه کار ، کم گذشت ،  
حسابگر ، حیله گر و به آسانی نمی توان دست آنها را خواند .  
۴- گروه O: مردمانی سالم و تندرست ، همیشه ایده آل فکر می کنند و در رویاهای شیرین به سر می برند و خوش  
گذران ، پر حرف و جاه طلب ، جسور هستند . به ورزش ، رقص و موسیقی و شعر علاقه دارند . امروزه با بررسی DNA  
می توان نژاد و نیاکان یک فرد را تعیین کرد و حتی می توان مشخص کرد که متعلق به کدام منطقه از جهان می باشد  
و یا از کجا مهاجرت کرده است . در بررسی که در کرمان موقع صدور کارت شناسایی جهت افراد زرتشتی کرمانی  
داشتیم ، متوجه شدیم که گروه خونی RH مثبت در زرتشتیان کرمان بیشترین گروه است و شاید فشار خون و  
بیماری های عروقی که اکثر همکیشان در سنین آخر عمر گرفتار می شوند ، بر این اساس باشد . بر اساس این تحقیق  
بعد از گروه B، گروه A و پس از آن AB و کمتر از همه گروه O در همکیشان کرمانی مشاهده شده است .

## آیین مهر

در این روزها به نقل گردیزی ، مغان طعام و  
شراب می ساختند و در دخمه ها بر جای  
می گذاشتند و بر آن بودند که روح مردگان  
بیایند و آن را بخورند مدت این جشن را برخی  
پنج و برخی ده روز دانسته اند که بنابر مشهور  
ده روز بوده است ، یعنی پنج روز آخرماه  
دوازدهم و پنج روز الحاقی خمرسه مسترقه یا  
اندرگاه گاه شماری ایرانیان .  
اما جشن دوم که اکنون نیز برگزار می شود و  
آن جشنی است که در ایران کهن روز فروردین  
( نوزدهم ) از ماه فروردین نیز به مناسبت  
موافقت بین نام روز و ماه به این نام موسوم  
بوده و در آن جشن نیز پارسیمان به دخمه ها  
می رفتند و در معبد ، چوب صندل بخور  
می دادند و موبدان با نذر و میوه و گل ، مراسم  
آفرینگان به جای می آوردند به نام این جشن  
در ادبیات فارسی نیز اشاره شده است :  
نه نورو ببینند و نه مهر گان  
نه جشن و نه رامش ، نه فرورد گان  
بنابر نقل بیرونی در آثار الباقیه این روز را نورو  
انبار گویند و آن روز در آب های جاری عطر و گلاب  
می ریزند . نیایش فروهر پارسایان در این روز  
توصیه شده و برای سفرو ازدواج شایسته است .



روزه گان ( جشن فروردین گان ، روزه گان )

جشن فروردینگان به دو جشن اطلاق شده  
است ؛ یکی جشنی است که در پنج روز آخر  
سال به یاد فرورهای درگذشتگان انجام می  
شده بود ؛ که به قول بیرونی فروردگان  
حقیقی این است .  
به نظر برخی دانشمندان مانند بهرام فره وشی  
جشن فروردین اصلاً جشن دینی ایرانیان  
شمالی بوده ، که مهید آیین زرتشتی به شمار  
می رود و بیشتر از سایر مناطق از آداب و رسوم  
روستایی متأثر است و ایرانیان شمالی این  
جشن را به یاد درگذشتگان خود و بنابر عقیده  
به فرورها و نزول نخستین فروهر ، در  
روزهای گاهنبار آخرین (آفریش ) برگزار می  
کردند و گوپا در دوره ی ساسانی که به سنت  
های شمالی یا اوستایی بیشتر علاقه داشتند ،  
جشن دینی فروردین در ناحیه ی جنوبی ایران  
زمین رونق و شکوه یافته باشد .

همکاران: فریبا سرداری، فریروزه مانوندادی، پری کومرئی، آرمینا خوشنور و مهرنوش مهربانی، فرانک سامیا

آن کس که شهامت کارهای شایسته را دارد، انسان است.

شکسپیر

گلهای راستی می شکفتد  
عطر خوش گل، عطر خوش راستی و  
پاکی، جهان را مست کرده، جهان  
مست است از این همه شور و زیبایی، از  
این همه عطر عشق، مست است.  
گل های رویند، با خود شادی و سرور  
می آورند، می خندند، می رقصدند  
و با خنده ی خود جشن های می آورند.  
آردبیهشت گان است، جشن  
زیباییهاست، خجسته باد، بر ایران و  
ایرانیان، این جشن گل و راستی.



چه اندیشه ای پاک، پویا، بلند  
چه روشن نگاهی، که چون آفتاب  
چه دانای رازی، پژوهنده ای  
خرد را ستاید چه زبیا، چه نغز  
بین تا خدا را چسان یافته ست  
"به نام خداوند جان و خرد  
کسی این چنین آسمانی سرود  
سخن گستر! بر تو از جان درود  
اگر هر درختی به گاه بهار  
من آن نیک بختم که در هر زمان  
چو رو می کنم سوی البرز کوه  
چو بینم چکاد دماوند را  
فراری من هر کران روی توست  
چه رنگین بهشتی ست رویای من  
بنتابید در جان ایرانیان  
به پا خاست ایران، درخشید باز  
دهان بست عوغای بیگانه را  
بر آتم که در پاکای و راستی  
ز نام آوران هم بر این باورم

فریدون مشیری

نیلو خرافته

پیادای از صباقتی هدایت

هدایت امروزه در شمار یکی از برجسته ترین نویسندگان ادبیات جهان و به نظر بسیاری از ادیبان، بزرگترین نویسنده معاصر ایران است. هدایت در سال ۱۲۸۱ خورشیدی متولد و در سال ۱۳۳۰ خورشیدی در پاریس درگذشت.



اسمال جامعه نویسندگان و روشنفکران ایران صدمین سال تولد این بزرگ مرد هنر و ادب ایران را گرامی می دارد، به همین مناسبت کوتاه سخنی داریم درباره ی اندیشه و آثار او.

اولین کتاب او «جادوگری در ایران» که در بلژیک نوشته شده در پی اثبات پرستش خدای یگانه توسط آریایی ها و تک خدایی بودن دین زرتشتی است. هدایت از زمان آشنایی با پژوهشگر بزرگ هند، بهرام گوراکسلیاریا، که از پارسیان بود، زبان پهلوی را نزد وی آموخت و سپس به ترجمه ی آثار پهلوی به فارسی پرداخت. آثاری از قبیل «کارنامه اردشیر بابکان» و «گجسته ابالیس»، «گزارش گمان شکن»، «نیرنگستان»، «زند وهنن یسن» و غیره. هدایت آداب و رسوم متعلق به مردم ایران را به شدت ستایش کرده و همگان را به زنده نگه داشتن آنها فرامی خواند. در کتاب نیرنگستان می نویسد: «نناید فراموش کرد دسته ای از این آداب و رسوم نه تنها خوب و پسندیده است، بلکه یادگاری های روزهای پر افتخار ایران است. مثل جشن مهرگان، سده و ... که زنده کردن و نگاهداری آنها از وظایف مهم ملی به شمار می رود.»

نوشتن داستانها و نمایشنامه های تاریخی مانند «مبارز» و «پروین دختر ساسان» نشانگر روح ناسیونالیستی اوست و با اینکه با نوشتن داستان کوتاه «مهن پرست» ناسیونالیسم دولتی را به باد انتقاد می گیرد، و حساب خود را از آن به کل جدا می سازد، اما تا آخر عمر یک ناسیونالیست افراطی باقی می ماند و غالب اینکه علاقه به آثار زرتشتی از مظاهر اندیشه اش بوده و با آن زندگی می کرده است. این تمایزات وی در شاهکارش «بوف کور» و «یا در» «ترانه های خیام» هم به چشم می خورد. در سفرنامه «اصفهان نصف جهان» در هنگام خداحافظی با اصفهان می نویسد: «آن کوه پیر کوتاه که مانند آفسون تنها از زمین سر در آورده، برای اینکه روشن آتشگاه بسازند، دور از شهر و دور از حیاهو، جلا که می خواهم برگردم مثل این است که چیزی را گم کرده باشم یا از من کاسته شده باشد و آن چیزی نمی دانم چیست، شاید یک خرده از هستی من آنجا در آتشگاه مانده باشد.»

آخوان ثالث (م. امید) در سوگ او شعری سروده زبیا. با نام «روی جاده نمناک» بخشی از آن را در این جا می آوریم:  
...چه می داند چه می دیده است آن غمگین  
دگر دیری است گزین آن منزل نا پاک کوچیده است  
و طرف دامن از این خاک برچیده است  
ولی من نیک می دانم  
چو نقش روز روشن بر جبین غیب می خوانم  
که او هر نقش می بسته است، یا هر جلوه می دیده است  
نمی دیده است چون خود پاک، روی جاده نمناک

آزادترین بردگان را به مهمانی سرود بخوانیم  
آمد و آنقدر در سدهامان سبب سرخ خورشید خواهیم  
داشت که به قلبهای سرد و ظلمت زده هم خورشید  
هدیه کنیم، زردترین شاخه های خشکیده پاییزی را  
شاعفت خواهیم کرد و آنقدر برای آنها غزل شگفتن  
می خواهیم تا از سبز هم سبزتر شوند، بهار شدنش  
محبت در کوجه های بخندان آندوه و کینه خواهیم  
افروخت که در آنجا نیز جویبارهای محبت روان شوند.  
«آری، روزی خواهیم آمد و در جاده های سر سبز آینده  
تا ابدیت پیش می رویم.»  
\* به یاد سهراب سپهری در سالروز درگذشت او

سینما: یک دنیا حرف



اصلی در چند نشریه به چاپ رسید تا این که  
سرانجام دختر ۱۵ ساله حمید علیدوستی،  
سرمری تیم فوتبال بیگان که اتفاقا نام شخصیت  
اصلی فیلمنامه بوده برای بازی در این فیلم در  
کنار حسین محجوب، مهتاب نصیر پور و میلاد  
صدر عاملی انتخاب شد. سیمرغ بلورین بهترین  
بازیگر نقش اول زن به ترانه علیدوستی، سیمرغ  
بلورین بهترین فیلمنامه به کامیوزیا پرتوی و رسول  
صدر عاملی، سیمرغ بلورین بهترین چهره  
پردازی به علی عابدینی و دیپلم افتخار بهترین  
بازیگر زن نقش مکمل به مهتاب نصیر پور رسید.

فازج سمنی روایت آدم های برآمده از سال های  
جنگ است که در فضای سال ۸۰ تنفس  
می کنند، مهندس دومان قایمی، مدیر عامل یک  
شرکت معتبر و موفق ساختمانی است که دو  
تصادف و دیدار غیر مترقبه برای او استن حوادث  
جدیدی است. دیدار باینتا و دیدار با سلیمان،  
همرزم سال های جنگش که اکنون در گوشه  
آسایشگاه جانبازان روزگار می گذرانند...  
برنده ای سیمرغ بلورین جلوه های ویژه: محمد  
رضا شرف الدین، بهترین تدوین: بهرام دهقانی  
و بهترین موسیقی متن: ناصر چشم آذر

شهر اندیشه

آگاهی آن از هستی خویش است.  
در فصل سوم، به فلسفه آفرینش خدا،  
انسان و زندگی این جهانی در شاهنامه  
پرداخته است.  
در فصل چهارم به دنبال اندیشه های  
بنیادی گاتها در شاهنامه بوده و با آوردن نمونه  
هایی مستند و زیبا به خوبی این بخش را نیز به  
پایان برده است.  
در فصل پنجم به تشریح کجروی های دین و  
رخنه اندیشه های دیگری می پردازد و در فصل  
ششم که مهم ترین بخش این کتاب است  
نویسنده ضمن بیان این نکته که: «... از آنجا  
که شاهنامه فردوسی یک حماسه ملی است و  
نه فلسفه تاریخ، پس هیچ جا از فلسفه تاریخ  
ویژه ای آشکارا سخن نمی گوید و نباید بگوید.  
این ما هستیم که چنین فلسفه ای را باید در  
درویش بنشاسیم و آنگاه به بیرون کشیدن و  
آشکارا سازی آن پردازیم.» به وجود دو گونه  
فلسفه تاریخ یکی ابرجی و دیگری اوستایی در  
شاهنامه اشاره دارد و آنرا بازمی آید.  
یادداشت های این گرامی نامه به همراه  
کتاب نامه آن همچون دایره المعارفی بزرگ با  
باز نمایانن منابع ارزنده مورد استفاده این  
پژوهشگر فرهنگ ایران خواننده را به خاطر  
انتخاب این کتاب، خرسند می سازد.

شروع کار اهالی سینماست و ما نیز می خواهیم  
هر چند کوتاه و مختصر چند فیلم از بهترین فیلم  
های این دوره که در حال حاضر در اکران سینما  
ها می باشد را معرفی کنیم:  
**من ترانه پانزده سال دارم**  
" ترانه پانزده سال دارد، دختر خوبی است،  
درس می خواند و کار می کند و با مادر بزرگش  
زندگی می کند. او به رغم انبوه ناهنجاری های  
اطرافش تلاش می کند تا دختر خوبی باقی بماند  
و ... چند جمله بالا خلاصه داستان فیلم است و  
هم قبل از فیلمبرداری برای جذب بازیگر نقش

شهر اندیشه

می دهد که در مقام پاسگویی به برخی از آنان  
نیز بر می آید:  
" من در اینجا تنها پرشش های زیر را بر  
بنیاد آن چه تاکنون از "هگل" نقل کردم  
پیش می نهم تا پس از نگاهی به برداشت  
های کلی دیگران درباره حماسه، عقاید او را  
در این زمینه بیشتر بکاوم:  
اگر بنا بر دستگاه فلسفی هگل حماسه جزو  
هنرها باشد، چگونه می توان هنگام بررسی  
خودآگاهی تاریخی، حماسه را یکباره بی ارج  
دانست؟ اگر به گفته او وجه امتیاز روح هر قوم  
از اقوام دیگر، تصورات آن قوم از خویشتن  
است، آیا افسانه و حماسه ها از تصورات هر  
قوم از خویشتن خویش چیزی به ما نمی گوید؟  
اگر این درست است که روح ملی تنها انگیزه  
همه کشش ها و آرزوهای یک قوم است و...  
دین و دانش و هنر و سرنوشت و سرگذشت هر  
قوم، مظاهری از آن تکامل آند. آیا حماسه چیزی  
جز بازتاب روح قومی و ملی و آرزوهای قوم و دین  
و دانش و هنر و سرگذشت و تاریخ قوم است؟  
فصل دوم شالوده های فرهنگی شاهنامه را  
ترکیبی از اسطوره ها و فلسفه دین بهی  
دانسته و به تشریح آن ها پرداخته است. آقای  
تاقب در همانگونه که در دیباچه کتاب با پیش  
نهادن این گفته هگل که: «آگاهی هر قوم،

این اولین کلامی بود که در خاطرات نقش بست و  
آقدر خوش قول بودی که به عهدت وفا کنی...  
آمدی با کلامی به سبزی بهار و غنچه های  
صمیمیت و مهر در دستانت آمدی و بیامت را به -  
لطافت پرواز در گوشم زمزمه کردی... مرا با خود  
همراه کردی، آبی آسمان را وسختی خراشیدیم، بهار شدنش  
شهادت گرفتیم و به راه افتادیم به دشمنای  
بی پاییز، به آسمان بیگران و به گذر زمان خیره  
شدیم ما قصه روشن خورشید را قصه زیبای ماه  
را و قصه سبزی جوانه را به باران سپردیم تا آن را  
همه جا پخش کند.

جشنواره تنها محل تماشای چند فیلم نیست.  
سیمرغ بلورین بر شانه افرادی از اهالی سینما  
فرود می آید. ما فصل امروز و افرادی از نسل  
دیروز را که با یک فصل مشترک یعنی هنرمند  
بودن، در کنار یکدیگر قرار می گیرند، گرامی  
می داریم، چه آن هایی که سیمرغ می گیرند و  
چه آنان که نگرفتن جزیره ذره ای از شان هنری و  
حرفه ای شان کم نمی کند. در طول این روز و روز  
هر کسی به کاری مشغول بود، عده ای فیلم  
می دیدند، عده ای در بازار غرفه داشتند،  
عده ای به دنبال جریان آرام و نقد حرفه ای  
جشنواره و فیلم بودند و سر انجام جشنواره  
بیستم نیز مانند ۴ دوره گذشته صاحب مراسم  
افتتاحیه بود در این مراسم سنت دلپذیر یاد از  
دست رفتگان سال که گذشت به جا آورده شد و  
همچنین از سه سینماگر مهم اروپا که در این دوره با  
مرور بر آثارشان از آنان قدردانی شد و در مراسم  
پایانی نیز اهدای جایزه ویژه ایی به دانشجوی  
مخند فیلمبرداری ایرانی مقیم اروپا که با آثاری  
نوعی نام ایرانی را در جهان بلند آوازه کرده،  
بزرگداشتی در محور او در سفری پس از سالها به  
زادگاه سرزمین پدری اش بود. هر چه بود -  
جشنواره بیستم تمام شد، هر چند که این تازه



نویسنده «شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ  
ایران» آقای مرتضی تاقب فر از ابتدای دهه  
۴۰ یا بازخوانی چندین باره «شاهنامه» در پی  
پاسخگویی به سوالات بی شماری که در دهه  
دهش پرورده می شود بر می آید و بیش از  
۲۰ سال به مطالعه اوضاع اجتماعی و  
فرهنگی زمانه فردوسی و تاریخ و فرهنگ بلند  
آوازه ایرانی و دین باستانی ایران می پردازد تا  
بالاخره موفق می شود تا در سال ۱۳۷۷ با  
همکاری دو ناشر یعنی انتشارات قطر و معین،  
کتابی به این نام را در ۲۲۰۰ شمارگان و به  
بهای ۱۵۰ تومان به فرهنگ دوستان ایران  
هدیه دهد.  
این نویسنده ارجمند در دیباچه نظری که  
همه بخش های دیگر کتابش بر آن نهاده شده،  
تعاریف ناگوانی از آگاهی، روح ملی، خود،  
آگاهی تاریخی، فلسفه تاریخ و حماسه ارائه

چهارمین است که همه چیز از دریچه زیبایی نگاه  
کردن و همه چیز را در دریچه زیبایی شنیدن اما  
چه غم انگیز است نفرت، دورنگی و چه شکننده  
است کدورت! او به راستی چه نیکوست که به هم  
آشوبن، قصه عشق، خواستگاری، و بتوان این  
شادی را بین همه تقسیم کرد کاری که بهمان  
کرد خواننده جوانی که در اردیبهشت سال  
۱۳۵۲ در خانواده ای که از نظر مالی و فرهنگی  
در سطح متوسطی بوده دنیا آمده و از سنین  
هشت، نه سالگی به موسیقی گرایش پیدا کرد او.  
فعالیت خود را از دهه ۶۰ یعنی در دست در  
زمانی که اوضاع موسیقی از لحاظ ساز و پخش

بازیگر دل ها  
صحنه دنیا را ترک کرد



صورت حرفه ای ادامه داده است.  
اولین بار با خواندن تک ترانه ای به نام پناه در  
آلبومی به نام رنگارنگ قدم در عرصه موسیقی  
نهاد و اینک آلبوم دورنگی او که شامل ۱۰ قطعه  
است به نامهای: ۱- چوب لاچرخ ۲- هم آشوبن  
۳- دورنگی ۴- قصر عشق ۵- قفس  
۶- ستاره ۷- خواستگاری ۸- سگ و شیاه  
۹- اشاره ۱۰- میکس و افرادی مانند: به  
شایان، فرهاد مهران، ریغما گلدویی، پویا  
صمیمی از ترانه سرایان آلبوم هستند.  
به عشق تو کار جا باشی ستاره  
بازم می آم به دیدنت دوباره



قلب شیشه ای

بار دگر عاشقی محفل عاشقان را خاموش کرد،  
بار دگر عاشقی آرام دفتر هستی اش را بست،  
رفت، و حال صحنه ی زندگی بی او خالی است.  
دنیای دل ها بی او خالی است و دنیای  
هنرمندان بی هنر مندی چو او خالی است.  
چشمدی اسماعیل خانی بازیگر تاتر، سینما و  
تولیتویون روز دوشنبه ۱۹ فرورین بر اثر سنکته  
قلبی درگذشت. وی در سال ۱۳۴۹ در شیراز  
چشم به جهان گشود، وی فعالیت هنری خود را  
از کار تاتر در سال ۱۳۴۹ آغاز کرد.  
از کارهای وی می توان به خواستگاری، دلقک  
ها و عروسک ها، سنگ مرمر، مسیح هرگز  
نخواهد گریست، یک روز مثل هر روز و...  
اشاره کرد. وی به همراه همسرش گوهر

چهره ماندگار تلاش و دانش؛ استاد «احمد بیرشک»

ب پر خیده



استاد احمد بیرشک درباری تقویم یزدگردی (جدید) می نویسد: « این تاریخ که هنوز حساب آن میان زرتشتیان نگاه داشته می شود، متناسب است به یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ننگون بخت ساسانی. مبداء آن سال ۱۱ هجری است. بعضی آن را از جلوس یزدگرد به تخت و بعضی دیگر از درگذشت رقت بار او می شمارند. بهروز، در تقویم و تاریخ به اثر ایران کوشیده است که آن را به رحلت پیامبر اسلام مربوط سازد و از این روی آن را سال یزدگردی رحلت نامیده است. ... در جایی دیگر درباره ی تقویم قدیم زرتشتی و متحرک شدن نوروز می نویسد: « در تقویم رسمی، سال ۳۶۵ روز و مرکب ۱۲ ماه ۳۰ روز و ۵ روز اضافی بود که مدتی به آخر ایران و به آخر اسفند افزوده می شد. تفاوت ۲۵ صدمی روز را با کیسبه ی ۱۲۰ ساله ترمیم می کردند. اما مراعات این امر، بر اثر نابسامانی ها میسر نشد و نوروز متحرک شد ... (گاهنامه ی) تطبیقی سه هزار ساله - ص ۲۰۰) پذیرش « مبداء ملی » پایگاه تاریخی ما ایرانیان را در جهان مستحکم تر می کند و جامعه ی

در چهاردهم فروردین ماه امسال در سن ۹۵ سالگی در گذشت. پژوهش بزبوم او در گاهشماری و تطبیق تقویم پنج هزار ساله زبانه کارشناسان علم نجوم در جهان است. بی شک اثر او درباره ی گاهشماری ایران بی نظیر است. کشف «مبداء ملی» از ابتکارات اوست و شجاعانه توانست با برهان استدلال، این کشف را به جهانیان اعلام نماید و بر افتخارات تاریخی ایران بیفزاید. استاد در نامه ای به پژوهشگری می نویسد: « ... مبداء ملی، روزی و سالی است که نظام تقویم کنونی ما از طرف عالمان رصد خانه ی بلخ اعلام شده و آن نخستین روز از فروردین ماه ۲۲۴۶ پیش از هجرت و ششم آوریل ۱۷۲۵ پیش از میلاد بود و برای بعد آوردن سال ملی کافی است ۲۲۴۶ سال هجری علاوه و آن نیز ۱۷۲۵ سال میلادی علاوه شود. « بر طبق این کشف، سال ۱۳۸۱ خورشیدی برابر با ۳۷۲۷ مبداء ملی می شود که طبق سالنامه ی زرتشتیان تنها ۱۳ سال به مبداء زرتشتی ( ۲۷۴۰ دینی زرتشتی) تفاوت دارد. معلمی بزرگ که بیش از ۷۰ سال نوشت و نوشت، آموخت، تحقیق کرد، تألیف کرد، شاگردانی بزرگ تربیت کرد و همه ی توان خود را بی دریغ ارزانی ایران و ایرانی کرد، چشم از جهان فرو بست. شاگردانش که بیش از سه نسل در محضرش تعلیم دیدند و خود استناداتی بزرگ شدند. « بیرشک » آموزگار بزرگ پایدار ایران بود. بسیاری از نخستین کتاب های درسی « از همان سالها که درس و مدرسه شکل نوین پیدا کرد » به کوشش او نوشته شد و پس از آن کتاب های دانشراودانشگاههای پاره پاره پژوهشگران و جویندگان دانش و ترجمه های ادبی برای اهل ادب. موسسات علمی- فرهنگی زیادی را پایه گذاری کرد. و سرپرستی ترجمه و نشر مجموعه ی عظیم دایره المعارف و گرد آوری دانشنامه بزرگ فارسی و نیز زندگی نامه ی علمی دانشوران را به عهده داشت. استاد در مدت زندگی پر بار خود موفق به انتشار ۹۰۰ مقاله و ۱۲۰ جلد کتاب ( نگاه کنید به روزنامه اطلاعات ۱۸/۱۷/۱۸)

و گنگو و همنان

تاریخ و مطالعه تاریخ، افاق تاری از برای دینگان ما می گشاید و آگاهی از گذشته، می تواند راهنمای خوبی برای درک زمان حال و برنامه ریزی برای آینده باشد. گروه نوشتار از این شماره، بخش جدیدی را به عنوان در گذر زمان به خوانندگان فرهیخته امرداد تقدیم می کند که در آن مطالب تاریخی گوناگون با تأکید بر تاریخ ایران و جامعه زرتشتی عرضه می شود. امید که با هنفتری شما خوانندگان گرامی و ارسال مطالب تاریخی خواندنی و ارزشمند از سوی شما، بر محتوا و غنای این بخش افزوده شود.

انجمن ایران شناسی در دبیرستان فیروز بهرام

بسیستم همه ماه سال ۸۰ برابر با صد و شانزدهمین سالروز تولد استاد ابراهیم پور داوود، بزرگ مرد عرصه زبان و ادبیات اوستایی و تحقیقات ایران شناسی. شرح خدمات و کوشش های علمی و پژوهشی ایشان و پر زان و داوود و تألیف و تحقیقات ایشان در این شش هفته کوتاه نمی گنجد. در این نوشتار تنها به یکی از اقدامات پورا دوود یعنی تأسیس انجمن ایران شناسی در محل دبیرستان فیروز بهرام اشاره می شود. در ششم مهر ماه ۱۳۲۴ خورشیدی یعنی در حدود ۵۶ سال پیش، انجمن ایران شناسی در دبیرستان فیروز بهرام در باره انجمن ایران شناسی ایراد کردند در مورد هدف از تأسیس این انجمن گفته اند: « غرض از تأسیس انجمن ایران شناسی، و چنان که از نام آن پیداست، شناختن ایران است. ... سرزمینی که بیش از سه هزار سال است در تاریخ کبیتی، شناخته شده است. در حدود ۲۵۰ سال است که توجه دانشمندان اروپا به دیار دیرین ما کشیده شده و صدها دانشمند نامی عمر گرامیهای خود را در تحقیقات ایران شناسی به سر آوردند و بیش از هزار جلد کتاب گرانبها در باره مرز و پوم ما به یادگار گذاشته اند. شایسته است که در خود ایران نیز چنین انجمنی باشد و در زمینه ایران شناسی به اندازه خود تحقیقاتی کند و دیار دیرین خود را بهتر بشناسد. چندان در خوار شناسان اروپا تأسیس انجمن ما را پسندیده و کارآمدی ( عضویت ) افتخاری آن را پذیرفتند.

در آیین نامه انجمن ایران شناسی، تأسیس آموزشگاهی برای گسترش فرهنگ و ادبیات ایران نیز پیش بینی شده بود و از همان آغاز تأسیس انجمن، اجازه آن از وزارت فرهنگ خواسته شده بود. بعد از این، کلاس های ایرا شناسی با تقریباً ۳۰ نفر دانشجو و به ریاست دکتر مظفر بقایی کرمانی هفت روزهای شنبه و دوشنبه، سه شنبه و چهارشنبه از ساعت ۵ تا ۸ بعد از ظهر در دبیرستان فیروز بهرام دایر می شد. استادان این کلاس ها با توجه به علاقه و عشقی که به ایران داشتند، با صورت افتخاری عهده دار تدریس در این کلاس ها بودند. اسامی استادان و دروسی که در این آموزشگاه ارایه می شد به شرح زیر است: زبان شناسی: دکتر مظفر بقایی، زبان پهلوی: آقای کیوان پور، خط و زبان اوستا: استاد پورا داوود، ارمنی قدیم: دکتر حق نظریان، تاریخ ادبیات بعد از اسلام: دکتر ذبیح ا... صفا، زبان سریانی و زبان لاتین: آقای سلوا پولوس، تاریخ پیش از اسلام: استاد نصر الله فلسفی، تاریخ بعد از اسلام: آقای سعید نفیسی، تاریخ صنایع ایران: دکتر بهرامی، تاریخ نظم و نشر فارسی: دکتر خطیبی، فرس باستان: دکتر مین، زبان یونانی: آقای باباد پولوس و همچنین سانسکریت نیز در دروس این آموزشگاه نظر گرفته شده بود.

دانشجویان کلاس های مزبور اغلب از فارغ التحصیل های دانشگاه های ایران و خارج از کشور بودند. این انجمن علاوه بر دایر کردن کلاس های آموزشی در دبیرستان فیروز بهرام، اقدام به انتشار چند جلد کتاب در زمینه زبان و تاریخ ایران کرد که از جمله آنها می توان گفت: « فرهنگ ایران باستان » و « هرمز نامه » از اسناد پورا دوود، « فرهنگ گیلکی » از دکتر منوچهر ستوده « مانی و دین او » از تقی زاده، « کتاب جشن سده » و بسیاری کتاب های دیگر با نام بر. از دیگر فعالیت های این انجمن برگزاری چندین سخنرانی در زمینه های ادبی و فرهنگی با تأکید بر ایران باستان بود. همچنین با گروهی از خاور شناسان معروف اروپا و هند و موسسات زبان های شرقی ارتباط داشته و در زمینه های مختلف از جمله انتشارات با یکدیگر مبادله ی فرهنگی داشتند. تأسیس و فعالیت انجمن ایران شناسی در حدود ۵۶ سال پیش و اقدامات گسترده و پر محتوای این انجمن در گسترش فرهنگ و تمدن ایرانی نشان از اقدامات سازمان یافته در قالب انجمن ها و بنیادهای علمی و فرهنگی گذشته این کشور دارد و با مطالعه و بررسی دستاوردهای این سازمان ها، متوجه می شویم که میراث گرانبهائی از خود به جا گذاشته اند و موفق بوده اند. آیا امروزه در جامعه خود به غیر از انجمن ها و سازمان های اجتماعی، نیاز به تأسیس انجمن ها و سازمان های علمی و فرهنگی، علمی و پژوهشی احساس نمی شود؟ بی تردید جز با تأسیس این گونه نهادها نمی توان به ساماندهی و گسترش پژوهش ها و تحقیقات علمی و فرهنگی در زمینه تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران دست یافت و بنیان این گونه سازمان ها نیز چون با هدفی غیر انتفاعی صورت می گیرد جز با حمایت سازمان ها و انجمن های مسوول جامعه و خیراندیشان و نیکوکاران فرهنگ دوست میسر نمی شود.

مآخذ: پورا دوود پژوهنده روزگار نخست، نوشته محمود نیکو به

کتاب های گنجینه مانگی ( ۱ )

نوشته: دکتر سید مهدی غروی

این شهر به نوجوانی و جوانی رسید. وی از جمله جوانانی بود که از سالهای کودکی همواره درباره ایران می اندیشید و تاسی سالگی که این آرزو برآورده شد وی از فکر ایران و همکیشان ایرانی خود غافل نبود. وی جوانی خود را در افغانستان و سند به عنوان مشاور مالی و اداری امیران انگلیسی و حکمرانان محلی سپری ساخت و هنگامی که عازم ایران شد کارگزاران دولت هند در بمبئی به وی چهار سفارشنامه دادند که در بوشهر و تهران و بغداد و اسلامبول ارایه کند، و در طلب مقصد بکوشد. شرح اقدامات مفصل مانگی در تهران برای کسب امتیازات برای زرتشتیان از حوصله این مختصر خارج است.

وای به برخی از علمای شیعی و سنی نیز روابطی داشت. او از جمله زرتشتیانی بود که با جهان بینی خاص خود می خواست که اختلافات را از میان ببرد و کاری کند که اقلیت زرتشتی رفاه و سعادت و زندگی آزاد در جوار هم میهن مسلمان خود را باز یابد.

به مناسبت بزرگداشت مانگی



اشاره: نوشته ای که در پی می آید، پیشگفتار کتاب « فهرست نسخه های خطی فارسی گنجینه مانگی در کتابخانه موسسه کاما است که توسط دکتر غروی تهیه شده است. این کتاب در سال ۱۳۶۵ خورشیدی توسط مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در اسلام آباد به چاپ رسیده است. نوشته ی حاضر با ویرایش و تلخیص به نوحه شما خوانندگان در برهمنه تقدیم می گردد: در سده نوزدهم پارسیان هند که بیشتر مومینان دانشمندان بزرگ اروپا را به اشتناخت خاور زمین و فرهنگ آن بر پای خاستند و پیشگام این حرکت در هند پارسی دانشمندی بودند به نام خورشید چی رستم جی کاما ( ۱۹۰۹ - ۱۸۳۱ میلادی ) که نخست برای آشنایی با دانشمندان اروپایی و یاد گرفتن روشهای تازه تحقیق به اروپا رفت و پس از بازگشت به هند موسسه ای را بنیاد نهاد که پس از مرگش بنام خود وی موسسه شرق شناسی کاما نامیده شد. موسسه خاور شناسی کاما در سال ۱۹۱۵ م با اهدای کتابخانه شخصی کاما از سوی همسر و دخترش رسماً تشکیل شد. پیش از آن هندوی ثروتمندی بنام سوخودالا هزار رویبه به این منظور اهدا کرده بود. بدین ترتیب بزرگترین مرکز مطالعات ایرانی در خاور زمین به کوشش پارسیان هند که با دانشمندان اروپایی نیز تماس مستمر و دائم داشتند با کتابخانه ای مجهز و غنی در بمبئی تشکیل شد، بدیهی است پی از تأسیس موسسه نیز صدها نفر از پارسیان کتابخانه های خود را بدین موسسه اهدا کردند و با از دارایی خود موسسه خود سهمی برایش منظور کردند. به طوری که این موسسه توانست ده ها دانشمند ایران شناس را برای پژوهش به بمبئی بیآورد که شادروان ابراهیم پور داوود از آن جمله بود.

اشتراک امرداد پاسخی است به نیاز جامعه زرتشتی

- ۱. ارسال نشریه برای درخواست
۲. آدرس به صورت کامل و خوانا
هایی که پیش از پانزدهم هر ماه به بخش مشترکین برسد از اول ماه پستی ده رقمی در بهتر رسیدن
تشریه بسیار اهمیت دارد.



هزینه اشتراک داخلی (یکساله): پست عادی: ۱۲۰۰۰ ریال
پست سفارشی: ۳۶۰۰۰ ریال
هزینه اشتراک خارجی (یکساله): آمریکا، استرالیا و آفریقا: پست عادی: ۹۰۰۰۰ ریال
پست سفارشی: ۱۸۰۰۰۰ ریال
کشورهای اروپا و آسیا: پست عادی: ۷۵۰۰۰ ریال

نام و نام خانوادگی: سن: تاریخ تکمیل فرم:

نشانی: شهرستان:
کوچه:
کد پستی ده رقمی:
شهرستان:
کیهان:
کوچه:
پلاک:
طبقة:
تلفن تماس:

نوع پست: عادی سفارشی
نوع درخواست: اشتراک جدید تمدید اشتراک

می توانید بهای اشتراک را به حساب جاری ۸۷۸/۸ بانک مسکن شعبه سازمان صنایع ملی (تهران) قابل واریز در کلیه شعب بانک ملت در سراسر کشور به نام جمشید کیومرثی واریز و اصل رسید را به همراه فرم اشتراک تکمیل شده به نشانی: تهران، خیابان کریبخان زند، خیابان خردمند شمالی، کوچه ششم، پلاک دو، کد پستی: ۱۵۸۵۸ ارسال نماید.

بهای اشتراک تا پایان اردیبهشت ۱۳۸۱

همکاران: پژمان پیلتن، فروش نیویوسنگی، آرش دیناریان، کیوان هور  
ترتیبی دهموبد، فیروزه روبین تن، ص: زمانی، شهرام پوردهی



**با**  
**ف**  
**ت**  
**ن**  
**د**  
**ی**

« به سراغ من اگر می آید »  
**پشت قبرستان**  
**پشت قبرستان**  
**جایی هست**  
**که زمینی آنجا ،**  
**مال ما دیگر نیست**  
**پشت قبرستان همه را ساخته اند**  
« به سراغ من اگر می آید »  
**آهسته قدم بردارید**  
**که مبادا صاحب آن**  
**بیدار نشود ا بیدار !!**  
برچهره ملک زاده

**انجمن های دوستی تهران**

شهر بزرگ تهران به غیر از این که پایتخت ایران است، یکی از جاذبه های مهم توریستی ایران نیز به شمار می رود.

در این شهر علاوه بر برج های بلند و ساختمان های شیک (به ویژه حوالی خیابان جمهوری)، لوکس ترین و پر ستاره ترین پذیرشگاه، فعال ترین انجمن بزرگ ترین آدریان، کار درست ترین سرایدار، قدیمی ترین خانه سالمندان، کوچک ترین خوابگاه دانشجویان، سالم ترین و خوشمزه ترین شام های عروسی و مجلل ترین و با شکوه ترین سازمان پذیرایی وجود دارد.

حیف از این همه استعداد! دیابت

**انجمن دوستی شریف آباد و کانادا**  
۱- انجمن دوستی شریف آباد و اتریش  
۲- انجمن دوستی شریف آباد و افغانستان  
۳- انجمن دوستی شریف آباد و بوسنی و هرزگوینا  
۴- انجمن دوستی شریف آباد و یوکرین  
همچنین جهت همبستگی بیشتر داخلی، بهتر است انجمن های زیر نیز تاسیس شوند:

۱- انجمن دوستی شریف آباد و مریم آباد  
۲- انجمن دوستی شریف آباد و جعفر آباد  
۳- انجمن دوستی شریف آباد و یوسف آباد  
۴- انجمن دوستی شریف آباد و تهرانپارس  
۵- انجمن دوستی شریف آباد و شریف آباد

**ضد حال**

**الو چکاچک**  
الو بیخشید منزل آقای چکاچک؟

**با درود ؛**  
**لطفا پس از شنیدن صدای من و صدای بوق ، حرف بزنید !**

- من یک نفر هستم ، با وجود اینکه رییس انجمن از من بزرگتر است ، اما اسمال برای عبد دیندی به خانه او نرفتم ، دلش بسوزد !
- با اینکه من خودم خالی بند هستم ، ولی پیش بعضی از مسئولین زرتشتی واقعا "لنگ" می اندازم !

**حقیقت از تهران**

- گله ای داشتم که چرا مسوولان کاری نکردند تا اسمال سیزده بدر باران نبارد ؟
- با زهم گله ای داشتم که چرا مسوولان اسمال کاری نکردند تا سیزده بدر بیشتر باران بیاید و استخر کوشک ورجاوند پر شود؟

**خوش نام**

**در راستای اینکه از شماره پیش بخش چکاچک به یک صفحه کامل ارتقاء یافت ، نظر دبیران مختلف را نسبت به این بخش سوال کردیم:**

**دبیر تاریخ :**  
طنز، تنها چیزی است که سقوط نمی کند.

**دبیر شیمی :**  
طنز، تنها اسیدی است که چشم را نمی سوزاند.

**دبیر عربی :**  
طنز، تنها کلمه ای است که تنوین نمی گیرد.

**دبیر ورزش :**  
طنز، تنها بازیکنی است که به اوت نمی زند.

**دبیر ریاضی :**  
طنز، تنها معادله ای است که فیثاغورث نمی تواند آن را حل کند.

**دبیر نقاشی :**  
طنز، تنها طرحی است که می توان آن را بدون مداد کشید.

**دبیر جغرافی :**  
طنز، از فراز کوه های آلپ پراخاسته.

فرزاد - گ

**تشوین**

**از آن هر چه اندر خورد با خرد دگر بر ره رمز و معنی برد**

پیش از این که ماتممیم بگیریم، مدیر مسوول و سردبیر ، گلچهر و منوچهر ملک زاده را مسوول سرویس چکاچک کردند ، هرچه بچه ها گفتند ما به دبیر می خوایم نه دو تا تو گوششون فرو نرفت .

ممه مروارید گفت : آشنیز که دو تا میشه آش یا شور می شه یا بی نمک ! گفتند : این فضولی ها به شما نیومده ، اصلا بینید چطور بعضی گروه ها که پنج تا دبیر و نایب دبیر هم دارند ، جیکشون در نمی یاد ؟ خلاصه طبق قانون طبیعت ! به قول آچارفرانسه شیرازی " که از شیراز تلفنی صحبت می کرد " : وقتی که زور از در وارد میشه قانون از پنجره فرار می کنه ، ما هم مجبوریم ، به زور قبول کردیم . ولی بعدا " که به این نتیجه رسیدیم که فامیل ملک زاده به درد دبیری نمی خورن ، تصمیم گرفتیم جلسه ای تشکیل بدیم و بدون اینکه سردبیر و مدیر مسوول بفهمن یک نفر برای دبیری سرویسمون انتخاب کنیم .

البته اولش نمی دونستیم بین خودمون خبر چین داریم و حرفامون درز می کنه .

یه روز نشستیم و به امیرزا گفتیم اگه می شه تو سر صحبتو تا کن و بگو ما فقط یه دبیر اونیم با رای مخفی می خوایم نه دو تا . سر به هوا گفت : نازی مگه آدم چقدر حوصله داره که بتونه این دو تا رو تحمل کنه . پر چونه گفت : " من هم موافقم " جوجه اردک زشت که داشت دندوناشو مرتب می کرد گفت : " این که کاری ندازه عوضون می کنیم !"

همه امیدوار شدیم و جلسه ای تشکیل دادیم و گفتیم برای این که همه بیان ناهار می دیم . نهارمون زرشک پلو با مرغ بود . نمی دونم این زرشک پلو چه خاصیتی داره !! آدم همین که خورد ، خوش خوشانش می شه و تصمیمش بر می گرده و صد و هشتاد درجه عوض می شه .

نمونش همین امیرزای خودمون که بعد از نهار ، تو همون جلسه سینه اش رو صاف کرد و گفت : " توجه کنید ! فامیل ملک زاده نمونه های بی همتای سرویس چکاچک هستند و تا امروز هم خیلی خوب تونستن بر این سرویس ریاست کنن . امیدواریم بر ما منت گذاشته و به این ریاست که در تمام گروه های موجود در امرداد بی نظیر است ، ادامه دهند ."

باجی خانم گفت : " ای وای خاک عالم ، امیرزای خودمونه که رنگ عوض کرده ؟"

گفتم : " بعله "

بابا ترتر گفت : " موجودیت ما بستگی به این دو تن داره . اگه نباشن سرویس چکاچک از بین میره و ما همگی مدیون اونا هستیم ."

ضد حال سرش رو زیر انداخت و گفت : " بذارین کاری که مربوط به بچه های گروه می شه رو خودشون تصمیم بگیرن ، نه این که جویری رفتار کنین که مجبور باشن طوطی وار هر چی گفته می شه رو ، قبول کنن . دلیل در جا زدنمون نبودن یه دبیر مردمیه ."

امیرزا گفت : " چی ؟ دبیر مردمی نداشته ایم ! یعنی چه ؟ مگه نه این که اگر دو سطر هم از ما چاپ می شه به خاطر این دو نفر بوده ؟ وگرنه غاز هم به ما نمی دادن بچرونیوم !"

دیابت گفت : " من نمی دونم چرا عقلتون ، تو خونه جا می داریم ؟ آخه یه خورده فکر کنین تو این مدت برامون چی کار کردن که هی ازشون تعریف می کنین ؟"

امیرزا داد زد : " رای می گیریم "

صدای سر دبیر از بیرون در هیات تحریریه به گوش رسید ، با عجله رای گیری انجام شد . تنها مخالف ضد حال بود و باشو آدور خان رای ممتنع داد . مارمولک اشک تو چشاش جمع شده بود . انگار تو این دنیا نبود .

نتیجه این که با اکثریت آرا گلچهر و منوچهر ملک زاده برای مدتی دیگر دبیر مردمی (!) گروه شدند.

مکاتب سرکنم آسان که دانی شادروان توفیق

**ماجراهای خانم مکتا به سر و ارباب جونگیر**

شان برسانند . آن دو در راه به حرف دولت خانم کنجکاو فکر کردند که گفته بود : « امرداد باید حرف دل مردم را بزند و به جامعه آگاهی بدهد . » ارباب گفت : هر چه نشریات درون جماعت بیشتر باشد و پر بارتر ، جامعه پویا تر و آگاه تر خواهد بود . به منزلت همسایه رسیدند .

پس از احوال پرسای های معمولی ، پسر همسایه که دنبال کاری می گردد ، امرداد را از دست مکتا به سر گرفت و به درون اتاقش رفت .

به نظر پسر همسایه ، امرداد با وجود برخی ضعفهایش نیاز جامعه است . بخش مورد علاقه پسر همسایه که اول از همه آن رامی خواند ، بخش چکاچک است .

ارباب جونگیر ضمن خوردن یک لیوان چای ، یک هورت بلند صدا دار کشید و گفت : آرزوی من موفقیت تمام کسانی است که در جهت خدمت به جامعه تلاش می کنند .

**هور چهر ملک زاده**

چه حق تلخ است با شیرین زبانی

" ارباب ، ارباب بیو مونه بیو " این جمله ای بود که مکتا به سر با دیدن یک سلفون که داخلش ورقه بود ، گفت . ارباب بعد از این که نگاهی به بسته انداخت گفت : " این نشریه « امرداد » است که برای دولت خانم کنجکاو هم می رود ."

آن دو از فرط خوشحالی نمی دانستند چه کنند ؟ امرداد ، اشتباهی به جای منزل همسایه برای آنها آمده بود .

بحث جدی و جدل انگیزی بین مکتا به سر و ارباب جونگیر بر سر باز کردن پاکت در گرفت . بالاخره با کش مکش پاکت را باز کردند . یک برگ دست ارباب و یک برگ دست مکتا به سر . هر دو نگاهی به آن انداختند و به سرعت برگه ها را با هم عوض کردند .

مکتا به سر از دیدن صفحه چکاچک متعجب شد و گفت که این عکس ها چه ؟

ارباب برگه دست خودش

مجله و روزنامه هفت دست ، فبر هیچی .  
× هر چه صفحه پیش ، غلطش بیش تر .  
× اعضای هیات مدیره انجمن را ساعت ده شب می شمارند .  
× فلانی رو تو انجمن راه نمی دادن سراغ ( زمین های موقوفه رو می گرفت ) .  
× دکتر مهندس هفت دست بازار کار هیچی .  
× سر دبیر که دو تا شد ، نشریه یا لوس می شه ، بی بی نمک .

پروپونه

امرداد :  
لازمه مطرح بودن در جهان استفاده از ابزار مدرن است .  
" سروگ ماشینی- کاسه آش دیجیتالی !

# نوروز همیشه جاوید

فریبا سرداری



طرح: سحر مرادزاده

دنیا با نوای دل انگیز بلبان هم سراسر است. دریا با رقص نسیم می رقصد و دل های پر زهم، هر دم بوسه ای بر هستی پر ز عشق می زند. هستی زیبایی ها، هستی بی که بار دگر جامه ی سبز زندگی برتن کرد و بر روایتش، کالبدش با رنگ سپیدی واژه ی نوروز جمشیدی، واژه ی بهارمهر، واژه ی... رنگناگشت و با زین گوهر قلب ها، نام زرتشت، آن مهر دیرین را بر برگ برگ ایران زمین حک کرد. دستپا رو به سوی اهورا، اهورایی. زمستان آرام آرام می رود. سردی دل ها همچو موج رونده ای می رود، جهان در تکاپوست، زمین در گردش است.

روزهای پایانی با واژه های مزدایی واژه های آهوند و آشتود که بزرگی و خوشبختی را به ارمغان می آورد، واژه های سینمند و هوخستر که نیروی افزایشده و رهبری نیک است، با وهنتوش که بهترین آرزوست برای آفریده های آفریدگان، با آیین های پیشینیان، با نوای روح انگیز گانها و اوستا سپری می شود.

آسمان، آب ها، زمین، نباتات و جانوران آفریده شدند و حال گهنبار است، چه ری همنس پت میدیم. آفرینش انسان و بار دگر زرتشتیان ایران، آیین گهنبارا پاس می دارند، و با نیایش و اوستا، به داد و دهش می پردازند و با لرك و سیرگ و شیرینی از یکدیگر پذیرایی می کنند.

زمان می گذرد، زمان نزدیک می شود، ثانیه های آهوند و ثانیه های پایانی و سال نو، سنبلان خندان، شقایق خندان، شکوفه ها خندان، چهانین در بزم شادی خویش خندان، می نوشند می مهر را. سال نو، نیمه شب است. موجی از مهر و کهر در شاههرام آیزد و در مهر، نوازش دهنده ی چشمه ها است.

همه و همه با جامه های نو، نگاه های نو، دل های نو، به درگاه اهورا خود می روند. نوای اوستا طنین انداز سکوت شب است و رقص شعله ای شمع ها خیره کننده ی چشم های عاشقان. و تمثال اشوزرتشت چه شادمانه بر پیروانش می نگرده. شاد است، او نیز شادمان است از این همه مهر، از این همه واژه های زیبایی که هر دم به یکدیگر گفته می شود.

زبانت قبول، سال نو مبارک، سال خوب

گرامی می دارند. ششم فروردین ماه است. دید و بازدید، دیدارهای نو، شور و هیجان و آری، آری! در گذشته های دور در چنین روزی همچو امروز در کنار ساحل رود درجی، دنیا به بزرگ کودکی لیکند زد، زندگی بر لبانش بوسه زد، و انوار زمین خورشید او را در آغوش گرفت، دل ها می تپد. آری! امروز خجسته روز خرداد است، روز زایش مهر، روز زایش اشایی، روز زایش فرزند پاک و راستی، زرتشت اسپنتمان، همان اشوی قلب ها، همان اشویی که سروده هایش را با دل خریدارند. فرخنده روزی است و در این فرخنده روز بار دگر پیروان راستی در بیشتر مکان های زرتشتی نشین به گرمی می آیند و با آوای خوش اوستای موبدان، گوش دل سپردن به سخنان بزرگوارانی که سخن از عشق می گویند و با برنامه های شاد، زایش پیامبر اهورایی شان را جشن می گیرند. امرداد روز است، بی مرگی و جاودانگی، پیران نیز جاودان و بی مرگند، پیرانی که سالیان در بستر کوه خفته اند و در انتظارند، در انتظار دیدار ما، در انتظار سرور ما، که آنها نیز خندان شوند. امرداد روز است نخستین روز زیارت پیر هریشت. همه و همه به دیدار مادر و فرزندی می آیند که در گذشته های دور در آغوش یکدیگر جاودان گشته اند. همه و همه از هر

جای ایران به زیارت پیر هریشت می آیند. جوانان و جوانان، کودکان و بزرگان با قلبی پر ز امید به دیدار می آیند. آرام آرام از پله های احساس بالا می آیند. همه و همه با دست های افراشته نیایش می کنند، کشتی نو می کنند و خواستار یاری از سوی وی اند. سیل پیروان زرتشت در خیلها ها به چشم می خورد، زیباست، آری زیباست. تو و اوایی جوباش را نیک گرفته است و از مهمانان راستی با سیرگ و آش پذیرایی می کند. همه شادند و روزی را به هم می گذرانند، تا خاطرات خوش امروز را در دفتر وجودشان حک کنند. پنج روز همه در کنار هریشت خوش به سر بردند و امروز، روز خیر ایزد، روز خداحافظی است. زیارت قبول. ابراهمی بارند. بر ایزد شتر می بارند، بر ایزد باران می بارند، همه جا زلال و پاک شدست و از این پاکي من تو پاک تر شده ایم. همه جا بوی طراوت و شادابی می دهد و از این طراوت من تو با طراوت تر شده ایم، همه جا بوی باران می دهد. همه و همه در زیر باران چه خوش روزی را می گذرانند.

روز تیز است، روز سیزده است همه و همه از بامدادان تا شامگاهان در کنار یکدیگرند. گروهی در باغ در جوارند و گروهی در باغ و قفلی و شاید در زیارت گاه های شهر نیاکانمان یزد و شاید هم در در هر کجا که هستند با هم هستند. در زیر سقفی، گوشه ای به دور سفره ای هستند، با هم می خورند، با هم سخن می گویند، با هم می نهند. نگاه می کنند و باهم در زیر باران قدم می زنند.

بهار است با دفتری پر از آیین های نیاکانمان و چندین برگ این دفتر را خوش ورق زدیم. و حالا در برگ های پایانی یادی از فروه در گذشتگان می کنیم. در گذشتگانی که روزی در این در میان ما بودند و امروز در سرائی درنگند. پاک بودند و پاک رفتند و ما بی هیچ اندوهی تنها به یاد پاکیشان جشن می گیریم و جشن فروردینمان را تنها به یاد آنها می گیریم.

بوی خوش همه جا افرا گرفته است. هر کسی در آرامگاه ما شاخه ای گل، شاخه ای عود، به یاد فروه رفگان اوستا می خواند، روانشان شاد باد، بهشت برین جلاگاهشان. بوی خوش رسیدیم، کم کم باید دفتر این ماه را ببندیم، ولی تنها یک جمله باقی است: ایران، هماره بر قله های مهر، با آیین های نیاکانت، جاوید باشی.

# کاش می توانستم مانند بچه ها نقاشی بکشم

مهندسخت دهنادی

صورت موجودات فضایی نیز به چشم می خورد و حدود ۱۶۰ تندیس از یک موجود خیالی که ذهنیت کودکان را نشان می داد. گاهی با دیدن نقاشی هایی از جشن سده ی سال گذشته در کوشک، که با پاستیل شمع و کولاژ طراحی شده بودند و یا با دیدن تندیس که فروهری را نشان می داد نقطه ای روشن در ذهنمان بیاد آور این نکته بود که این هنر مندان کوچک، هم زرتشتی اند و همه از یک مدرسه. تمام دانش آموزان به غیر از کلاس اولی ها در این نمایشگاه اثری از خود داشتند.

در قسمتی از تالار بر روی تابلویی در کنار آثار بچه ها، به قلم کورش وفاداری نوشته شده بود: در سال ۸۰۷۹ بچه های دبستان جمشید جم فعالیت و جستجوی خود را در زمینه هنر و کشف خلاقیت های خود، آغاز کردند.

این بچه ها با پرداختن به موضوعات روزمره ی قابل لمس و حتی دیدن حیوانات زنده از نزدیک و اجرای آنها با پاستیل شمع و تکنیک های مختلف با این وسیله، برنامه ی خود را با اجرای تنها یک موضوع خیالی (فضا) به اتمام رساندند و بچه های جمشید جم در سال ۸۰۸۱ به اجرای کارهای گروهی و بزرگ با موضوعات خیالی پرداختند و بر شهامت و جسارت خود افزودند و آنها سعی در اجرای کارهای سرعتی و احساسی همراه با تخیل قوی نمودند و می توان گفت تمامی کارها پیش از اجرا توسط اعضای گروه، طراحی

با ورود به فرهنگسرای ارسباران برای بازدید از آثار هنری بچه های دبستان جمشید جم، گویی وارد سرزمین رویا های کودکان شدیم پیش از ورود، به نمایشگاهی معمولی از آثار کودکان می اندیشید اما، همه چیز در این نمایشگاه نازگی داشت. این بار کودکان بودند که هنر مندی خود را به بزرگترها نشان می دادند و تحسین و گاهی شگفتی را در چهره ی تک تک بازدید کنندگان جستجو می کردند و این بار کودکان بود که همه چیز را بیشتر از بزرگترها می فهمیدند و برای آنها هر جا که لازم بود توضیح می دادند.

آنها از معلم نقاشی خود آموخته بودند که به جای کاغذ و مداد رنگی و قلمو، با رنگ و بوم و انگشتان دستشان نقاشی بکشند. در گوشه ای از نمایشگاه پسر بچه ای به همراه معلم نقاشی خود، در کنار تابلویی که دو برابر خودش بود، عکس یادگاری می گرفت و اسمش را در کنار تابلو به مادرش نشان می داد.

در گوشه ی دیگری کودکی از پدرش می خواست که داستان «بی بی مهر نگار و میرزا مست خمار» را برایش بخواند. او و گروهی از دوستانش با هم این داستان را که چندی پیش معلم نقاشی شان برایشان تعریف کرده بود، در چندین تابلو طراحی کرده بودند و بعد هر یک قسمتی از داستان را با یک خود در لا به لا ی طراحی نمودند. یادداشت بودند که در میان این آثار ماسک هایی از

همکاران: آذر نورافروز، کوزا هور، شیوا شهریار زاده ناصری، آتوسا ماندگاری، فریبا سرداری، شجرزاد دهموند، پیمانہ پور، آتوسا نورافروز، ستاره ماندگاریان، مهین دهنادی

## سنت دیرین در ظرف امروزی

مهرلوش مهرانجی

گذار از جهان و رفتن از این دنیا با پایدار، سر نوشت گزیر ناپذیر انسان است. و یاد کردن از در گذشتگان رسم دیرین آریایی، ایرانی و زرتشتی است. وقتی سال کهنه می رود و سال تازه آغاز می شود، پیش از هر چیز به یاد فروهر در گذشتگانمان هستیم.

روز اول سال، روز بازدید از کسانی است که عزیزشان را در سال گذشته از دست داده اند. می رویم تا بگویم به یاد آنها و تنهایشان هستیم. و برای ایشان سال خوشی را آرزو می کنیم و از همین است که ماه اول سال «فروردین» به چم فروهر نام نهاده شده است. و نخستین جشن ماهیانه ایرانیان باستان و زرتشتیان امروزی، جشن «فروردینگان»، جشن یادآوردن از فروهر در گذشتگان می باشد.

زرتشتیان امروزی بنا بر سنت باستانی در این روز در محل آرامگاه درگذشتگان گرد می آیند و با یاد نوشته روانان و از دست دادگانشان، پیمان تازه می کنند.

میوه های پاره شده، «دیرین» روی آرامگاه درگذشتگان وسیله ای است برای یاد کردن از ایشان تا رهنگدان بخورند و برای درگذشته آمرزش بخواهند و در ظرف امروزی خود، این رسم جلوه های تازه و بهینه به خود گرفته است.

جا به جا دیده ایم که میوه ها در ظرف های یک بار مصرف و تمیز روی آرامگاه قرار داده شده یا حلوا و خرما و میوه در آرامگاه ها به رهنگدان تعارف می شود.

کمتر زبانه و باقیمانده غذا در گوشه و کنار قصر فیروزه دیده می شود، که این نشان از فرهنگ والای زرتشتیان دارد که قادرند سنت های دیرین را در ظرف های امروزی تفسیر و اجرا کنند.

از رسوم زیبای دیگر جشن فروردینگان بپهن کردن سفره برای درگذشتگان سال گذشته است. سفره ای که در حد بضاعت بازماندگان بخوراکی های سنتی و میوه روی آن قرار داده می شود و موبدان برای درگذشته در کنار سفره اوستا می خوانند.

هم از فرد تازه در گذشته و خانواده وی یادی می شود و هم آشنایان این امکان را پیدا می کنند که با خانواده های داغ دیده، آن هم در یک زمان و یک مکان دیدار تازه کنند. و این دیدارها و گفتگوها خود بهترین وسیله است برای کاستن از بار غم آنان که به زیبایی در سنت دیرین «فروردینگان» پیش بینی شده است.

سخن را کوتاه کنیم و خلاصه بگویم که سنت های دیرین زیبا و سودمند و قابل ستایشند. بکوشیم تا آنها را به همان شکل پیشین نگاه داریم.



آنها انجام داده اند، الگویی برای دیگر بچه های جهان بسازیم و به جای اینکه همیشه از کودکان خارجی و آثار آنها مدل برداریم، این بار آنها از تکنیک بچه های ایرانی الگو برداری کنند. چون در دنیا نقاشی بچه ها از این اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و نباید آن را دست کم بگیریم. بیکاسو نقاش بزرگ جهانی در جایی گفته بود: وقتی نقاشی بچه ها را می بینم آرزو دارم مثل بچه ها نقاشی کنم. زیرا تفکر و ذهنیات بچه ها ساده است و ساده کشیدن مهمترین موضوع در هنر نقاشی است.

وفاداری در ادامه سخنان خود گفت: خوشبختانه تا کنون این نمایشگاه مورد توجه بازدید کنندگان قرار گرفته است به شکلی که پیشنهاد خریداری تمام آثار از سوی اشخاص کلکسیون دار به ما شده و همچنین از سوی سازمان فرهنگی، هنری شهرداری تهران نیز پیشنهاد شده که گروهی از بچه ها چندین دیوار در سطح شهر را طراحی کنند که باعث خوشحالی من است.

وی در مورد برنامه ی آینده ی خود گفت: قصد دارم به بچه ها طراحی و تکنیک های جدید را بیاموزم و سعی خواهم کرد که آثارمان، هیچ سالی شبیه به سال پیش نباشد و هر سال کارهای جدیدی خلق کنیم.

**مژده: افتتاح مرکز اطلاعات و املاک پارسیان در کرج**

**مرکز اطلاعات و املاک پارسیان با دارا بودن کادر آگاه و فعال در امر خرید، فروش و رهن و اجاره متفخر است همکیشان را در کرج یاری نماید و پیشنهادات شما را در موارد فوق پذیرا هستیم. هدف ما جلب رضایت همگان و مشورت با ما به نفع شماست.**

**نشانی: کرج-رجایی شهر (گوهر دشت) فلکه اول-نبش مطهری-جنب بانک مسکن به مدیریت بهرام تیراندازی**

**تلفن: ۰۲۶۱-۴۴۱۴۹۶۲**

### زرتشتیان ایران، زاد روز پیامبر خویش را جشن گرفتند

همکاران امرداد در شهرستانها با شکر و شادمانی، با حضور همکاران و خانواده ها، جشنی را برگزار کردند. فرزین فرخ منش، خسرو بهدین، فرزاد شهریاری فر

آیین زاد روز اشو زرتشت در روز ششم فروردین و با حضور همکیشان و مهمانان نوروزی و همچنین اجرای برنامه های شاد و سخنرانی در شهر های تهران، شیراز، کرمان، اهواز، اصفهان و یزد برگزار شد. به گزارش خبرنگار امرداد، جشن زاد روز اشو زرتشت از سوی انجمن زرتشتیان تهران با گردهمایی همکیشان در تالار مارکار تهران پارس و نیز سخنرانی موبد دکتر جهانگیر اشیدری و توران شهریاری برگزار شد. خبرنگار ما می افزاید: این آیین در شیراز از سوی انجمن زرتشتیان این شهر با حضور پر شور همکیشان شیرازی و مسافران نوروزی در

### مستون آزاده

الو، روز بخیر، امرداد ۱۴ پیام گیر امرداد روی خط ۰۶۸۲۴۸۰۶



چرا امسال مسابقات فرهنگی - هنری در یزد برگزار نشد؟

وفاقداری بهتر است انجمن زرتشتیان تهران پرسه های روز اول فروردین را در یک سطح گسترده انجام دهد، چون به دلیل دور بودن فواصل منازل و زیاد بودن تعداد پرسه ها، رفتن به همه پرسه ها مشکل است. البته انجمن نفت و توابع مقیم تهران این کار را انجام می دهد، اما انجمن هم بهتر است این مراسم را مثل پرسه های همگانی برگزار کند.

پریخ خسرویانی در تمام نشریات، وقتی نام نشریه و مشخصات آن را با حرف انگلیسی می نویسند، حرف نخست آن را بزرگ می نویسند، اما شما در شماره نوروزی این کار را نکرده بودید.

بدون نام از دقت شما در این مورد سپاسگزاریم. امیدواریم باز هم با انتقادات خود در بهتر شدن نشریه خودتان یاورمان باشید.

با بازسازی تالار خسروی، همکیشان برای اجرای مراسم خود با کمبود تالار مواجه هستند، بهتر است انجمن فکری به حال تالارهای جانشین مثل مارکار تهران پارس بکند.

بدون نام می خواستم از طریق امرداد از همه همکیشان درخواست کنم از گذاشتن میوه و مخصوصاً پاره کردن آن بر روی مقبره ها پرهیز کنند. این کار نه از نظر بهداشتی درست است و نه از نظر دینی.

دوست دار همه

### تولد مبارک ...

هر کدی که به دنیا می آید آرزو شدایی و طراوت و نشانه امید و زندگی است. امرداد تولد فرزندان زرتشتی را در هر شماره به دیگر همکیشان پند و مادی می گوید که این خبر شادی بخشی راه امرداد اعلام نماید شادباش می گوید. بنابراین از شما همکیشان گرامی درخواست داریم روز روز فرزند خود یا آشنایان و خویشاوندان را با تلفن ۰۶۸۲۴۸۰۶ آگاهی ما برسانید. **آمریکا - روزی دو میهر ایزد و اسفند ماه برابر با ۹ اسفند ماه ۱۳۸۰ زاد روز راستین مهربانی فارسی پور شیرین بامسی و پرویز مهربانی فارسی بر این خانواده های زرتشتی و همه بهدینان خجسته باد**

لوله کشی سرد و گرم و شوفاژ با لوله های فلزی و پلی پروپین نصب و نگهداری موتورخانه. تعمیر مشعلهای گازسوز. نصب سرویس بهداشتی تلفن: ۰۹۱۱۲۹۶۶۰۵۷

جناب آقای مهران غیبی دریافت مدرک موبدبازی را به شما شادباش می گویم با آرزوی موفقیت روز افزون شما در تمامی مراحل زندگی خانواده شاهرخ قاضیگری

راستین مسکن خرید، فروش و اجاره آدرس: بیوسف آباد، میدان فرخ بخش (سلماس) خیابان شهریار پلاک ۱۳۴ تلفن: ۰۲۵۳۵۲۰۰۲۳۶۴۲

دارخانه نورشیدان سلفت دایمان ترکیه - مهمان آپایش و بهداشتی آدرس: قاضی، بازار گنجا - منجم پرشکی گنجا - پلاک ۱۳۸ تلفن: ۰۰۵۱۲۳

موبایل کامپیوز خرید ..... نقد فروش ..... اقساط با تخفیف ویژه برای همکیشان تلفن: ۰۶۵۲۲۴۶۰۰۸ - ۰۶۵۲۰۵۸۰ تلفن: ۰۹۱۳۲۲۳۲۳۴۴

خدمات برق سیم کشی ساختمان نصب اف، تایمر راه پله، هواکش تعویض سیم کشی منازل رفع اتصالی برق و تلفن تلفن: ۰۸۸۲۴۶۹۳ - بینام بخت

همکیشان علاقمند به بازاریابی را پس از آموزش به همکاری دعوت می نمایم تلفن: ۰۸۸۲۴۸۰۶

در گذشت نا بهنگام خانم دکتر فرزانه مهر خداوندی و فرزندش مهندس فرشید فلاحتی را به خانواده آن روانشادان تسلیت می گوئیم. امرداد

خوننا شیراز و وصف بی مثالش تور چهار روزه شیراز با همراهی استاد رضا مرادی غیاث آبادی دیدار از: تخت جمشید، نقش رستم، حافظیه، آتشکده کاریان و ..... حرکت: ۱۹ اردیبهشت بازگشت: ۲۳ اردیبهشت مکانهای فروش بیلیط بنیاد فرهنگی جمشید: ۰۸۸۲۴۸۰۶ - ۸۸۲۵۲۱۲ دفتر خدمات مسافرتی فر ایران: ۰۷۵۲۱۲۹۸۰۹

پلاستیک سازی دهنادی تولید کننده انواع لوله های مومی و پروپیل پلاستیکی از ۱/۵ تا ۲۵ سانتی متر نشانی کیلومتر ۱۷/۵ جاده مخصوص کرج خیابان دارو پخش. خیابان مهندس خودکار تلفن: ۰۲۶۲ - ۳۸۳۱۴۴۲

دفتر اجرایی مهندسین، قویترین مشاور شما در امر ساختوساز آماده ایم تا ملک گنتگی یا زمین شما را در مناطق ۷ تا ۱۱ با نظارت خود شما بصورت مشارکت یا پیمان مدیریت از مرحله تهیه نقشه ها تا مرحله صدور پایان کار زیر نظر مجرب ترین مهندسین با بهترین مصالح و در کوتاهترین زمان ساخته و تحویل نماییم. تلفن: ۰۹۱۱۲۹۹۲۹۳۷

آفرینگان نورهرام ۵ سال ضمانت سوزنی نبودند خدارحم گوشنی انواع لوازم آیینی زرتشتیان تعمیرات آینه های قدیمی تمثال اشو زرتشت قبول سفارش برای خارج از کشور تلفن تهران: ۰۸۰۶۶۴۸ - ۸۸۰۵۵۹ تلفن یزد: ۰۸۲۴۰۵۵۹

امرداد هفته نامه (روز مال حاضر دو هفته یکبار) خبری، فرهنگی، اجتماعی صاحب امتیاز و مدیر مسئول: جمشید گبورهی سردبیر: آتوسا پنیاریان صفحات میانی زیرنگر: پودر جمهر پر خیده مدیر هنری: کیخسرو خادم حروف آرا: بهاره کیخسرویی مدیر آگهی ها: بزگان بزگانی لیتوگرافی و چاپ: کیان شاهی: خرمند ثانی. کویچه شماره ۲ کد پستی ۱۵۵۸ تلفن: ۰۸۸۲۴۸۰۶ - ۸۸۲۴۱۲۰۶ شماره: ۸۸۲۴۱۲۰۶ مقالات چاپ شده اثر اناظر امرداد نیست. امرداد درویش مطالب آزاد است. پست الکترونیک: amordad@hotmail.com

از مشق مدرسه تا برنامه ریزی و مدیریت از تجربه کاری تا موفقیت و کارایی از آگهی در امرداد تا اعتماد و معروفیت هفته نامه امرداد با گستره پخش در سراسر ایران دروازه ای مناسب برای معرفی شما به بازار تجارت در سراسر ایران خواهد بود. از کانالی خوشنام برای معرفی خود استفاده کنید. سازمان پخش آگهی امرداد: ۰۸۸۲۴۸۰۶

خانواده محترم اختری با نهایت تأسف در گذشت پدر گرامیتان را از صمیم قلب تسلیت عرض می نمایم و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم عرفان الهی و برای خانواده محترم ایشان صبر و شکیبایی و سلامتی آرزومندیم. سرپرست، مربی و اعضای تیم فوتسال بانوان